

حزب توده ایران و جنبش

۱۵ خرداد ۱۳۴۲



تک شماره ۳۰ ریال

اسناد سخن می گویند

از جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، شانزده سال میگذرد. در همان روزهای پرتلاطم، حزب ما، از طریق رادیوی پیک ایران، که نقش روزنامه‌ی روزانه حزب را بعهده داشت، ضمن دفاع بی‌قید و شرط از مبارزات مردم، به تجزیه و تحلیل رویداد پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ پرداخت تا حقانیت مبارزه خونین توده‌ها را اثبات کند.

دفاع اصولی حزب توده ایران از مبارزات مردم و پشتیبانی‌اش از روحانیت مترقی بعدی بود که رادیودولتی و جراید زیر فرمان ساواک، بزرگترین حملات راعلیه حزب ما و رادیویک ایران روا داشتند.

مجله خواندنیها نوشت:

«ارگان بی‌دینان دنیا، گاهی چنان از دین و روحانیت دفاع میکند که گویی وظیفه پیامبری برعهده دارد.»

(خواندنیها شماره ۷۲، ۴ خرداد ۱۳۴۴)

دفاع حزب ما از اپوزیسیون مترقی ضد رژیم شاه مخلوع، از مبارزان ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیست، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، از مشی اصولی حزب ما ناشی میشود و در سراسر دوران ۲۵ ساله گذشته، جزء لاینفک مشی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی حزب ما را تشکیل میداده است.

بر خلاف دعاوی پرمکروفریب مخالفان ما، دفاع حزب توده ایران از مبارزه روحانیت مترقی بر ضد امپریالیسم و ارتجاع، از مشی «فرصت طلبانه» و «سازشکارانه» ناشی نمیشود، بلکه این دفاع نتیجه برخورد علمی و اصولی حزب ما به مرحله انقلاب و ارزیابی درست نیروهای انقلابی در این مرحله است. خود فروختگانی که به اشاره سیا و ساواک، بحرکت در می‌آیند و نیز مخالفان رنگارنگ حزب توده ایران، مدام کوشیده‌اند تا به توسل به انواع دروغ‌ها و تعریف‌ها، تاریخ و سیاست حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را وارونه جلوه دهند. اینان، در این زمینه‌ها، علیه حزب ما خوارها کاغذسياه کرده‌اند.

گروه‌های مائوئیستی و شبه مائوئیستی، که از این فرهنگ منحنط تحریف و تزویر بغایت برخوردارند، بویژه در این زمینه فعال‌اند.

لکن ماسک «انقلابی» که این انقلابی نمایان بر چهره داشتند، و ادارشان میکرد که برای لطمه زدن به حیثیت و اعتبار حزب توده ایران، از در دیگری وارد میدان شوند. اگر مجله خواندنیها، دفاع حزب ما از روحانیت مترقی، وسیله حمله به حزب ما قرار میداد، این گروه‌ها، بقصد ایجاد اختلاف بین مسلمانان مبارز و حزب توده ایران، موضع حزب ما را درباره ۱۵ خرداد دگرگون جلوه میدادند و می‌کوشند حزب ما را در برابر روحانیت مترقی و مسلمانان مبارز قرار دهند.

برای اینکه روشن شود که واقعا ما درباره رویداد هفته خونین خرداد ۱۳۴۲ و روحانیت مترقی و امام خمینی چه گفته و چه نوشته‌ایم، به کلیشه شماره‌هایی از «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، و مقاله‌هایی از مجله «دنیا»، ارگان سیاسی تئوریک حزب در این باره می‌پردازیم.

لازم به یادآوری است که رادیویک ایران هم در جریان رویداد هفته خونین خردادماه ۱۳۴۲ هم بعد از آن بارها و بارها در این باره مواضع اصولی حزب، و از جمله نوار سخنرانی امام خمینی، علیه رژیم شاه مخلوع را پخش کرده است.

در صفحات دیگر:

هفته خونین خرداد ماه

مردم - اول تیرماه ۱۳۴۲

به یاد خرداد خونین

مردم - پانزدهم خرداد ۱۳۴۳

روی سخن ما با پیشوایان دینی و روحانیون است.

مردم - پانزدهم مرداد ۱۳۴۳

تباعد آیت الله خمینی تعطیل بازار

مردم - پانزدهم آبان ۱۳۴۳

اعلامیه آیت الله خمینی

مردم - اول آذر ۱۳۴۳

روحانیون میهن پرست با قانون مصونیت و معافیت

مستشاران آمریکائی مبارزه می‌کنند

مردم - پانزدهم آذر ۱۳۴۳

مردم از پیشوایان آزادیخواه و استقلال طلب دینی

پشتیبانی میکنند

مردم - اول دی ماه ۱۳۴۳

آیت الله خمینی در کجاست؟

مردم - پانزدهم اسفند ۱۳۴۳

در معرکه خاورمیانه

حکومت کودتا در سر اشیب خیانت تازه‌ایست

مجله دنیا - ارگان تئوریک و سیاسی

کمیته مرکزی حزب توده ایران -

شماره اول - سال پنجم - بهار سال

۱۳۴۳

تاریخ نوین ایران

مجله دنیا ارگان تئوریک و سیاسی

کمیته مرکزی حزب توده ایران -

شماره اول - سال ششم - بهار سال

۱۳۴۳

تکثیر از طرف سازمان جوانان و دانشجويان دمکرات ایران بخش مین

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

« بهره مالکانه » باج مالکانه است

بازیکران رژیم موجود همچنان مدعیند که از حقوق دهقان ایرانی دفاع میکنند و با مالکان غصب حقوق دهقان «تفاد انصاف» دارند. ولی نظریه واقعیت زندگی کنونی و شرایط کار اکثریت قریب بنوع ۱۵ میلیون دهقان و بررسی اقدامات و اظهارات رسمی مقامات دولتی کذب مطلق چنین ادعائی را به ثبوت میرساند و نشان میدهد که رژیم موجود با مالکان غارتگر نه تنها

حقوق ملی خلق کرد باید برسمیت شناخته شود

سرانجام حکومت کودتائی عبدالسلام عارف بانوار غوامفریایه‌ای که در برابر کرد های عراق در پیش گرفت بود، پایان داد و با آغاز جنگ بر ضد مردم که خواهان برسمیت شناختن حقوق ملی خود هستند، چهره ارتجاعی خود را در این مورد نیز آشکار کرد. آن گروه جایگزینی که در آغاز به‌قتل عام کمونیستها و دموکراتهای عرب دست زد، اکنون با تمام تجهیزات جنگی بنیاید کردن کردها پرداخته است. یکی از بزرگترین پیروزیهای انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ عراق، نژید این واقعیت بود که در عراق دو خلق برادر عرب و کرد وجود دارند. قانون اساسی موقت جمهوری عراقی برای این دو خلق بقیه در صفحه ۲

هفته خونین خرداد ماه

بار دیگر در مین ما شمله های خشم و کین علیه سلطنت ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه زبانه کشید. بار دیگر مردم اسیر و راجدیده ولی دلیر و غلبه ناپذیر ایران کشتن زنجیرها بتلاش شگرفی برخاستند. هیچ دیده تیز بینی اگر در سطح حوادث ننگزد نمیتواند امواج توده‌ای تظاهرات عظیمی را که دو هفته پیش در تهران و شهرستانها روی داد نماند بگذرد. دولت و محافل وابسته سازمان امنیت میکوشند برای این تظاهرات جنبه ارتجاعی و ضد اصلاحات قائل شوند و حتی آنرا بقشر مینی از مالکین سود پرست و روحانیون جاه طلبی نسبت دهند که بنیادعای رئیس سازمان امنیت گویا با خارج نیز مربوط بوده‌اند. این همان نظریه رسمی است که در جریان دو هفته اخیر سکرا بوسیله رادبو و مطبوعات دولتی انتشار یافته و خبرگزاریهای خارجی نیز آنرا در سراسر جهان بخش کرده‌اند. دولت و بلندگوبانش چنین جلوه مینهند که گویان دهها هزار نفری که در تهران و شهرستانها به خیابانها آمدند و همه جلایه شاه و دولت وی ضد بنمایش زدند قریب خوردگان و برانگیختگان مشتی عناصر واخورده و مزدور بوده‌اند که هدفی جز عزت و تخریب دولت برای اثبات نظر خود و منته شدن سلسله مجموع نهضت و وقوع برخی اتفاقات را از پیش آتش بزرگ شهر میلیمزنانی حساب. تخریبیستی از اماکن و کشتن اعلام و دور هجوم بیرخی از نمازگاهها که بوسیله عده معدود و مینی انجام شده است دست آویز قرار داده بدین وسیله میخواهند کشتار سیماه و اعمال خلاف آزادی خود را توجیه نماید. در اینکه محافل ارتجاعی کوشیده‌اند در ایام عزاداری از اصلاحات منتهی عده‌ای سوء استفاده کرده گروهی از افراد عقب افتاده و متعصب را با اعمال و رفتار جلفانه، ضد ترقی و برخلاف انسانیت برانگیزند و حتی شمار هائی علیه اصلاحات ارضی و آزادی زنان در میان تظاهرات مردم بخش نمایند شکی نیست. چه بسا که خود بمقتل دولتی عده ای از اینگونه افراد را نیان تودعه بمظفر لنگه‌دهی کردن تظاهرات مردم و ایجاد زمینه برای سرکوب نهضت گسیل داشته باشند. ولی بهر صورت این اعمال را بحساب کلیه تظاهر کنندگان گذاشتن و دهها هزار نفر از مردم تهران و شهرستانها را که علیه حکومت ضد ملی و استبدادی شاه قیام کرده تحت شمار های ستوط شاه آزادی زندانیان سیاسی و تأسیس انتخابات آزاد بحرکت در آمده‌اند بعنوان مرتزق مزدور قلمداد کردن جز منوری بمنظور توجیه کشتار های فجیع و اعمال ضد انسانی دولت نیست.

درگذشت شاعر ومیهن پرست بزرگ ترك ناظم حکمت

مرگ ناظم حکمت (دوشنبه ۳ ژوئن ۱۹۶۳) برای ملت ترك، برای جنبش بین‌المللی کارگری و برای ادبیات جهانی ضایعه بزرگی بود. این ضایعه در هر جا که ملت‌ها مبارزه می کنند، در هر جا که آزادی صلح، عدالت و آزادی در سرها پرورده میشود احساس گردید. ناظم از همان روزگار جوانی به نهضت انقلابی ملت ترك پیوست. در ۱۹۳۷ دستگیر و به ۲۸ سال حبس محکوم شد. ولی تنگای زندان نتوانست هرچه تابناک ناظم را اسیر کند. آثاری که وی در در زندان نوشت اروپا و آسیای آگاه و مبارز را فرا گرفت. نهضت بزرگی برای آزادی ناظم حکمت بر پا شد و بالاخره دولت تركه در ۱۹۵۰ نخت فشار افکار عمومی مسهلان به رضائی وی تن در داد. از این تاریخ ناظم حکمت در مهاجرت، در آغوش ملت‌های دوستانه و ستاینده آثار خویش بسر برد. او در همه حال سراینده مبارزات ملت تجدیدیه ترك و هوادار پر شور امر بزرگ صلح بود. متأسفانه ملت ترك که هنوز در اسارت رژیم ضد دموکراتیک بسر میرد امکان یافت که لائق عزای شاعر محبوب خویش را بوجه دلخواه و شایسته بر گزار کند. ولی در مسکو نمایندگان بسیاری از ملت شوروی و جهان با آخرین وداع ناظم حکمت رفتند و مطبوعات دموکراتیک جهان مراتب تجلیل خلق ها را بخاطره وی تار کردند. ما ضایعه در گذشت ناظم حکمت را به حزب کمونیست برادر تركه، به ملت ترك و بخانواده ناظم تسلیت میگوئیم.

نخستین زن گیهان نورد جهان

موفقیت بزرگ گیهان نوردان شوروی

بیوکفسکی و والنتینا ترشکوا، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی، اعلامیه‌ای خطاب بشاه تمام خلقها منتشر کرده‌اند. در اعلامیه گفته میشود که پرواز گروهی جدید دامنه اطلاعات بشریت را درباره گیهان وسعت داده است. این پرواز نشان داده است که سفینه های کیهانی شوروی تا چه اندازه قابل اعتقاد و مطمئن‌اند. در این اعلامیه از تمام دولت‌ها و خلقها طلب میشود که سابقه تسلیحاتی خانه داده شود، خلق سلاح کامل و عمومی اجرا گردد و برای پیروزی صلح در سراسر جهان مجاهده بعمل آید. در شرایط جدیدی جهان که دست نیرومند انسان یکی پس از دیگری برده از اسرار طبیعت بر میدارد و دورنمای های نشاط آوری در برابر بشریت قرار میدهد، لزوم مبارزه با نیروهای که حاصل تمام این مجاهدات را به ناپودی تهدید میکنند، بیش از هر وقت احساس میشود. امیرالیسم خصم بی‌امان تکامل، سادت و رفاه بشری است. از اینپنه کامیابی دانش بشری میتوان و باید برای بنای يك جامعه سعادتمند، برکنار از فقر، گرسنگی و مرض استفاده کرد. ولی امیرالیسم دشمن رفاه و ترقی جامعه بشری است. امیرالیست ها از بسط دامنه دانش بشری، برای بوجود آوردن سلاحهای مرگ و نیستی استفاده میکنند. بهمین جهت در شرایط پیشرفت برق آسای دانش بشری، مبارزه با امیرالیسم، افشاء نقشه‌های تبهکارانه آن و مبارزه در راه حفظ و تحکیم صلح جهانی اهمیت خاصی احراز میکند. ما از موفقیت اخیر گیهان نوردان شوروی بسیار خوشحالیم و آن را به حزب کمونیست و تمام ملت اتحاد شوروی صمیمانه تبریک میگوئیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه تبریکی نیز در این باره به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشته است.

پرواز گیهان نورد اتحاد شوروی، والری بیوکفسکی و نخستین گیهان نورد زن جهان، والنتینا ترشکوا در روز ۱۹ ژوئن با موفقیت کامل پایان یافت، و دو گیهان نورد شوروی در ساعت و محل مقرر، طبق نقشه، سلامت فرود آمدند. والری بیوکفسکی ۱۱۹ ساعت در حال پرواز بود و طی ۳۳ میلیون کیلومتر پرواز خود ۸۱ بار بدور زمین گردش کرد. والنتینا ترشکوا و ۹ بار گرداگر زمین را بیسود. در پرواز گروهی جدید، برای نخستین بار یک گیهان نورد زن اتحاد شوروی، یک زن قهرمان، در عرصه گیهان به پرواز آمد. خبر پرواز والنتینا ترشکوا و سرعت برق در سراسر جهان منتشر شد و تمام بشریت ترقیخواه را بوجد و سرور آورد. والنتینا ترشکوا که اکنون نام او زبانتزد مردم جهان است کیست؟ او یک دختر ساده شوروی، یک کارگر نساجی است که با استفاده از امکاناتی که رژیم سوسیالیستی در اختیار او گذاشته و در بر توشه‌هاست و استعداد خویش یک مأموریت خطیر تاریخی را با موفقیت بانجام رسانده است. امروز نه تنها ملت اتحاد شوروی بلکه تمام مردم جهان بحق میتوانند بوجود این شیر دل افتخار کنند. پرواز گروهی جدید موفقیت بزرگ نوینی برای دانش و تکنولوژی اتحاد شوروی بود. این پرواز یکبار دیگر ثابت کرد که دانش شوروی با چه سرعت و دقت شگرفی مدارج تکامل را یکی پس از دیگری می‌بیاورد و در عرصه گیهان به پیش میرود. این موفقیت‌ها اتفاقی نیست. اینها نشان دهنده سلامت، استواری و انتظام رژیم سوسیالیستی شوروی است. رسوخ در عرصه گیهان و کشف اسرار آسمانها، تنها موفقیت دانش اتحاد شوروی هم نیست. در تمام زمینه های حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اتحاد شوروی با ساعت و استواری به پیش میرود، و روز بروز برتری رژیم سوسیالیستی را بر رژیم های سرمایه داری ثابت میکند. نماست پایان موفقیت آمیز پرواز گروهی والری

مردوم

آنگاه مرکزی از دست دور...

«دولت روشنفکران»!

بیاد خرداد خونین

یکسال از حوادث خونینی که طی آن هزارها نفر از هم میهنان ما در تهران و مشهد و تبریز و قم و شیراز و سایر شهرستانها به تیر سلسله‌های شاه ازبانی فرامند گشت. در چنین روزهایی که مصداق باایام غلثورا بود مردم طبق معمول بسوگواری مشغول گشته برای تظاهرات منظم طبق سنت قدیمی در بازارها و خیابانها در حرکت بودند. هر کس میباید که دهها هزار نفر زن و مرد و کودک در یک بنحوی در مراسم غلثورا شرکت میکنند. حتی کسانی هم که مستقیماً در مراسم غلثورا شرکت نمیکنند بقصد تماشاگر آنها ایماز که مهم نمایان نشی روی میآورند. در تهران بازار و خیابانهای اطراف آن و جنوب شهر لریز از زن و مرد و کودک میشود بطوریکه عبور و مرور را دشوار و پر زحمت میکنند.

تودمستعدیده و مظلوم مردم که رژیم کنونی هر گونه راه دادخواهی و ایزاز عقیده را بر آنها بسته است در این مراسم که ریاکارانه از طرف حکومت و مجاز شمرده میشود، با یادآوری وقایع کربلا و زکریا مصائب حسین بن علی و کسان او به بیخشی ها و مطالب خوش بنیض فکر میکنند. کینه و نفرت مردم و سوز و اشک روان آنها تنها مربوط به مستغری و بیاد غلثالی فاسد بنی امیه نیست. ناله و منجه زنان و مردان لفظ ازظم شعروان زیاد باآسمان نپروند بلکه بیشتر مترجه بیادها و نوجوهائی است که هر یک بنویس چهار آن هستند.

در چنین حالت روحی و در چنین تجسم عظیم سال گذشته بیکبار عده دلها ترکیده آنچه در دل مردم پیله در صفحه ۹

دولت منصور در تلبیحات خود میخواهد چنین پاره دهد که چون همدای از وزیرانست دکتر و لیسانسیه و صاحب مدارک عالی تحصیلی هستند این دولت و دولت روشن فکرهاست.

ولی هر فرد عادی - که دارای مدارک عالی تحصیلی هم نباشد - این نکته را خوب میداند که روش فکری ایران هنگامی از شرفه مینور و دارای دفعه واد نبی نیستند. حسطنی منصور بیا تیرول همدکست خانوادگی با میراث ریشه داری از اریستوکراسی با پیوند چند جنبه محافل حاکمه ایران پیش روشنفکر

دولت منصور در تلبیحات خود میخواهد چنین پاره دهد که چون همدای از وزیرانست دکتر و لیسانسیه و صاحب مدارک عالی تحصیلی هستند این دولت و دولت روشن فکرهاست.

ولی هر فرد عادی - که دارای مدارک عالی تحصیلی هم نباشد - این نکته را خوب میداند که روش فکری ایران هنگامی از شرفه مینور و دارای دفعه واد نبی نیستند. حسطنی منصور بیا تیرول همدکست خانوادگی با میراث ریشه داری از اریستوکراسی با پیوند چند جنبه محافل حاکمه ایران پیش روشنفکر

دولت منصور در تلبیحات خود میخواهد چنین پاره دهد که چون همدای از وزیرانست دکتر و لیسانسیه و صاحب مدارک عالی تحصیلی هستند این دولت و دولت روشن فکرهاست.

ولی هر فرد عادی - که دارای مدارک عالی تحصیلی هم نباشد - این نکته را خوب میداند که روش فکری ایران هنگامی از شرفه مینور و دارای دفعه واد نبی نیستند. حسطنی منصور بیا تیرول همدکست خانوادگی با میراث ریشه داری از اریستوکراسی با پیوند چند جنبه محافل حاکمه ایران پیش روشنفکر

ما میترانسیم از راه استفاده مستقل از منابع نفت، از طریق ملی کردن مؤسسه امپریالیستی دوابران، از راه منبج بلاعوض املاک ملاکان و تیرداختن باج سیل باین قشر. از طریق اجراء سیاست مالیاتی صحیح، از طریق کاهش صدی منافع نظامی، از طریق استفاده نیرومند از بازار داخلی، از طریق بسط بازار صادراتی امر تراکم را بدون احتیاج به فرزد های اسارت اور امپریالیستی انجام دهم. ما در مقابل سیاست تراکم با سالم رژیم سیاست تراکم سالی و ملی را مطرح میکنیم و برآنیم که وجهه تراکم باید صرف رستاخیز صنعتی و کشاورزی کشور گردد.

خفجه سوم - سیاست اقتصادی دولت بسط سرمایه داری کومیرادری برپای بخش دولتیست. باید دانست که بخش دولتی اقتصاد ما یک بخش ضد امپریالیستی و دموکراتیک نیست و تاکنون خدمتگزار سرمایه داری ایران بوده است. مابین حال از اینجا که در این بخش قدرت استعلا مشتم وجود دارد، یعنی میتواند با استقلال اقتصادی و به تحول ترقی کشور کمک کند، با خواستار حفظ و تقویت این بخش هستیم. بر عکس دولت میخواهد بخشی دولتی اقتصاد را تصفیه کند و سیاست بسط و تقویت سرمایه داری خصوصی کومیرادری را در پیش گیرد. ما دوباره تصریح

بقیه در صفحه ۲

سیاست اقتصادی رژیم موجود ایران (که طبرقم تنوع نعمت وزیر مامانیت آن تغییر نکرده و ملی سالهای اخیر مستراً دبال و اجرا شده و دولت منصور اجراء کامل آنرا در برنامه خود قرار داده است) دارای پنج نصیبه زیرین است:

نصیبه اول - اجراء سیاست درهای باز برای سرمایه های خارجی و تشویق همه جانبه سرمایه گذاری امپریالیستی از امریکا و انگلستان، فرانسه و ایتالیا، آلمان غربی و ژاپن و غیره. این سیاست منجر باحلال جدید زندگی سالم اقتصادی کشور، قوتی واردات بر صادرات، عدم تعادل فاقش پرداختها، فراد دائمی دبیتره ایز کشور و رخنه روز افزون انحصار های خارجی در اسناج اقتصادی ما شده است. این سیاست را ممکن نیست

یکبه ذره ای دلسوزی برای منافع ایران داری تأیید کند. حتی بسیاری از صنعتگران رژیم کنونی نیز بارها آنرا تفتیح کرده اند ولی ملیرقم همه اینها کماکان با شدت و قدرت ادامه دارد. ما در مقابل سیاست درهای باز، سیاست حمایت گمرکی و کوتاه کردن دست سرمایه های خارجی از اقتصاد کشور، سیاست حمایت از تولید و بازار داخلی را پیشنهاد میکنیم.

نصیبه دوم - سیاست ایجاد تراکم سرمایه ازط طریق وام و اعتبار از امپریالیست و دادن منابع ثروت ایران بتاراج خارجیت. عده عایدی ایران در سالهای اخیر از محل نفت و وام بود. تردیدی نیست که یک بازگشتی پرسود نفت و بدست آوردن عواید سزشار از این ثروت طبیعی وطن ما در صورتیکه بر اساس حفظ استقلال اقتصادی کشور باشد مورد اتفاق کسی نیست. آنچه مورد اتفاق است این شیوه بازگذاشتن دست منتخوران جهانی برای تاراج منابع عظیم نفت ماست. چندی پیش روزنامه انگلیسی تایمز مالی ضمن بیان منافع انگلستان در خاور میانه، امکان آنرا که در کشور های عربی دوزی نفت خود را بدست گیرند و آنرا مستقیماً در بازار جهان بفروشند بررسی کرده و باین نتیجه رسیده بود که در جهان امروز این کار کلا شدنی است. تراکم که اکنون در کشور ما از طریق ناسالم و مدممل انجام میگردد تازه بدون آنکه بناشرمه ای برساند، از طریق قتل و انقلاط متعدد دوباره بجنب امپریالیستها فرود و تنها وسیله ای است برای آنکه اقتصاد ناسالم ما وفق میل و تمویز و در جهت سود آنها بچرخد. ما میترانسیم با ایجاد یک تراکم سالم اقتصادی و صرف آن برای تقویت بنیه صنعتی و کشاورزی کشور، ایران را در جاده رشد صحیح و آیدینش پیشکنیم.

بقیه در صفحه ۲

منافع ملی ایران مستلزم

دوستی با کشورهای عربیست

سیاست رژیم شاه در تمام زمینه های حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با منافع ملی میهن ما در تضاد آشکار قرار دارد. ما در اینجا فقط از سیاست خارجی رژیم شاه صحبت میکنیم. در هفته های اخیر نبرد تبلیغاتی درجه اول برضد جمهوری متحده عرب و رئیس جمهوری آن جمال عبدالناصر آغاز شده است. بهانه این مبارزه مطالبی است که ظاهر آنک روزنامه منظمه در کویت در مورد خوزستان ایران نوشته است. بنظر ما اگر این روزنامه یا هر روزنامه خارجی دیگر مطالبی برضد استقلال و حاکمیت ایران نوشته، میتوان و باید به آن جواب داد. ولی آیا مندرجات یک روزنامه کویتی میتواند مستند قضاوت در باره سیاست کشور منتخبری ممانند جمهوری متحده عرب در صفحه ۲

انتر ناسیونالیسم پرولتری در عمل

آسمان - آسمان، بعنوان مظهر دوستی دو کشور استقلال میگردد.

نتایج سفر تاریخی رئیس دولت شوروی بهمهوری متحد عرب در اعلامیه مشترک دو کشور که روز ۲۴ ماهه در پایان مسافرت نیکیتا خروشچف باضمنا رسید تلخیز شده است. بموجب این اعلامیه متحد شوروی موافقت کرده است در اجراء دو مین برنامه بیستاله عمر (برای سالهای ۱۹۶۵-۱۹۷۰) و از جمله در ساختمان مرحله دوم سدالمالی در ساختمان یک کارخانه بزرگ و مدرن و دو آب انهرطریق یک میلیون تن فولاد در سال، در ساختمان کارخانه ماشین سازی سنگین و در ساختمان چندین کارخانه برق حرارتی و آبی به جمهوری متحده عرب کمک کند.

اینها کمک های است که اتحاد شوروی در سالهای آینده بزرگ به مصر خواهد کرد. ولی هم اکنون نیز از طرف اتحاد شوروی در زمینه اقتصادی و فنی کمک های بزرگی بکشور منبجول میگردد. در اعلامیه مشترک مربوط به مذاکرات میان نیکیتا خروشچف رئیس هیئت وزیران اتحاد شوروی و جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحده عرب بدینصیبت گفته شده است و طرفین با احساس رضامندی کامل خاطر نشان ساختند که تمهیدات مشترک ناشی از قرار داد های مربوط به در همکاری اقتصادی و فنی با احراز موافقت و در موعده مترر با تمام میسرود و در نتیجه این امر عده زیادی مؤسسه صنعتی که کمک اتحاد شوروی ساخته شده در جمهوری متحده عرب بکار افتاده و این مؤسسه محصولات اعلامی بیرون میدهند که در گذشته کلا باجزای از خارج به جمهوری متحده عرب وارد میشد. در حال حاضر در جمهوری متحده عرب ساختمانهای بزرگی در زمینه الکتریفیکاسیون کشور و احداث قریب صد مؤسسه صنعتی انجام میگردد. سازمانهای شوروی تمهیدات خود را در زمینه ساختمان ۷۰ مؤسسه و از جمله در زمینه ۲۵ مؤسسه صنعتی ۲۵ مرکز آموزشی و نیز در ساختمان مؤسسه زمین شناسی و غیره انجام داده اند. بسیاری از این مؤسسهات پایه های رشته های صنعتی جدید تر آن جمهوری هستند.

سخنمان این مؤسسهات و بیرون میروند ساختمان مؤسسهات که در ظرف چند سال آینده با همکاری اتحاد شوروی در مصر ساخته خواهد شد استقلال کامل اقتصادی آنکشور را در قبال امپریالیسم تأمین میکند.

بقیه در صفحه ۳

مردم

انجمن مرکزی غرب تهرانیان

خواست اساسی مردم ایران کاهش غارت نیست

بلکه خاتمه دادن بغارت است

بطوریکه روزنامه ها خبر میدهند سر انجام مذاکرات چند ساله اوپا با شرکتی نفتی به نتیجه قطعی رسیده است. اختلاف بر سر چه بود؟ قلمنا های ... بطور عمده در سه مورد بود: اول حذف هزینه های بازار بیلی. دوم بازگرداندن قیمت نفت خام به قبل از اوت ۱۹۶۰. سوم گذاردن بهره مالکانه بحساب هزینه عمومی.

در مورد اول طبق اطلاع روزنامه ها کوپا شرکت های نفتی تقاضای حذف هزینه های بازار بیلی را تقریباً ۶ بر آورده اند. در مورد دوم خبری در روزنامه ها منعکس نشده است. ولی از اخبار گذشته برمیآید که شرکتی نفتی ما باز گرداندن قیمت نفت خام به قبل از اوت ۱۹۶۰ موافقت نکرده اند و چیزی کم بود در آمد ناشی از تقییل قیمت را بویژه در ایران "از راه افزایش تولید نفت پیشنهاد عمل کرده اند. مورد سوم که از همه مهمتر است مسئله بهره مالکانه میباشد. در قرارداد های نفتی ایران و بعضی از کشور ها با شرکتی نفتی سهم بنام بهره مالکانه وجود دارد. تا کون اینطور بوده است که وپن شرکتی نفتی سود ویژه را بر اساس ۵۰-۵۰ تقسیم میکنند سهم بهره مالکانه را بحساب کشور های صاحب نفت میکنند. یعنی مثلا سهم ۵۰ در صد ایران شامل بهره مالکانه باشافه مالیات است. پیشنهاد ایران و سایر کشورهای نفتی بوده است که سهم بهره مالکانه بحساب هزینه عمومی بخشاشد. و از آنجا که هزینه بحساب هر دو طرف گذشته میشود. لذا نصف بهره مالکانه بحساب کمیتهای نفتی منظور خواهد شد و در نتیجه در آمد ایران از نفت افزایش خواهد یافت. موافقتی که بعمل آمده در همین زمینه است. طبق خبر روزنامه ها برای هر بشکه نفت خام ۴,۵ سنت و برای انواعی است تر نفت مبلغ کمتری بهره مالکانه تعیین شده است.

شبه در صفحه ۲

سیاست ترور و اختناق حربه عمده رژیم شاه است

رژیم شاه با رژیم مستبد ساسانی است که پایه های آن بر تفرض قانون اساسی و کابیه قوانین مملکتی بر اعمال قهر و تکیه بر زندان شکنجه و اعدام استوار است. این رژیم در سالهای اخیر با توسل بانواع خدمه ها و عوامل پستیها کشیده است که در میان توده های مردم ایرانی بایگانه برای خود تأمین کند. ولی مقاله اوضاع کشور را بخوبی نشان میدهد که اقدامات شاه در این زمینه عموماً بی اثر میسایر کم اثر بوده است. بطوریکه اکنون نیز این حکم در باره رژیم شاه کاملاً صادق است که مهمترین وسایله حفظ سلطنت و قدرت او قهر و اعمال فشار است. سازمان امنیت یا پس "زادگیری و ارتش" زمامت و شکنجه و اعدام مهمترین عوامل حفظ این رژیم فاسد است. با تکیه بر همین عوامل است که شاه بعد از کودتای ۱۸ مرداد ۱۳۳۲ تاکنون سلطنت مستبد خود ادامه داده است.

چند هفته پیش ستوان قبادی یکی از افسران عضو حزب توده ایران در محاکم فرمایشی ایران محکوم و تیرباران گردید. روزنامه ها خبر اعدام این افسر میهن پرست را که سالها علاوه بر آزادی خویش و خوشبختی و بهروری آن بصوفی سبست انقلابی بیوسه بود با آب و تاب فراوان چاپ کردند. ستوان قبادی یکی دیگر از قربانیان رژیم شاه بود. در سال های بعد از کودتای ۱۸ مرداد این قربانیان یکی فوتی زنده اند. هنوز خون گروه های افسران میهن پرستی که در برابر رگبار گلوله کودتاچیان از پی در آمدند خشک نشده است. این ناله آهست که در این میدان اختناق شاه نهال زنده گی قربانی جدیدی را از پی در میآورد.

چرا ستوان قبادی تیرباران شد؟ ستوان قبادی برای آن تیرباران شد که رژیم ترور و اختناق برای آتبات قدرت و هیبت خود هر چند که یکبار بخون تازه ای احتیاج دارد. ستوان قبادی از این جهت برای دزدخیمان قربانی منسوب بود. آنها میخواهند در عین حال با یک تیر چند نشان بزنند. از یک طرف این اعدام وسیله ای بود برای اعمال قدرت و بخیال خودشان چشم زهره گرفتن. از طرف دیگر دستاویزی بود برای متهم ساختن دولت شوروی به تحویل پک پناهنده سیاسی. در مورد اول در ماهی اخیر سازمان امنیت شاه منظور قاضی را آغاز کرده است. مدتی پیش از طرف بازرس داریس ارتش اعلان احضار عدده ای از سران و انصاف حزب توده ایران صادر گردید. این احضار که در ارتباط با محاکمه ستوان قبادی انجام شد بی هدف و نقشه نبود. هدف آن از یک طرف زمینه سازی باصلاح قانونی برای محاکمه ستوان قبادی و از طرف دیگر ایجاد رعب و هراس بود. با اعدام ستوان قبادی دزدخیمان شاه قدم دوم را برداشته و

کدام مشروطیت؟ یادی از ۱۴ خرداد جشن مشروطیت

اولین فرمان مشروطیت روز چهارم جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ هجری بمصالح مظفرالدین شاه صادر شد و چون در آن فرمان کلمه ملت ذکر نشده بود مردم آنرا از روی دیوارها کند نفو از پای نشینند ۱۴ خرداد جشن مشروطیت بود. همان سال (۱۷ جمادی الثانی) شاه آنرا ضمیمت خرداد دیگری که در آن ملت سرخا نام برده شده بود تکمیل کرد. آنوقت مردم بیروزی خود را جشن گرفتند این جشن را مردم بافتکار خود ویناتور و شرف فراوان برپای کردند و هیچ عاملی جز احساسات عمومی ناشی از بیروزی و غلبه بر استبداد و فریاد مردم بود. آن فریاد مردم در جریان مبارزه علیه استعمار و استبداد بموقبت درختانی نامل آلود بودند و چنان آن داشت که شادی کنند. ایکل بنجاهوشتم سال از تاریخ آن بیروزی میگردد و اینکه تحولاتی بسیار مترقی تر در سیر تکامل سیاسی ایران پدیدار شده است. مع الوصف کشور ما حتی همان مشروطیت را با تمام نقائصی که داشت از دست داده است.

واقعاً رژیم سیاسی کشور ما چیست؟ آیا مردم ما ناشی در تعیین سرنوشت خود دارند؟ آیا از آزادی های معروضه قانون اساسی ما خبری هست؟ آیا شاه فقط جنبه تشریفاتی دارد و از مشولیت سبست است؟ آیا در مجلس شورایی و کلابی منتخب ملت نشسته اند؟ آیا از امنیت قضایی اثری در کشور ما هست؟ آیا قوای مسلحانه قضائیه مقننه و اجرائیه که باید ناشی از ملت باشد مستقل و منفک از یکدیگر وجود دارند؟ شبه در صفحه ۲

روی سخن ما

با پیشوایان دینی و روحانیون است

میب و مردم ما دوران بحرانی حادی را میگذرانند. مبارزه ای خوین، مبارزه برای مرگ یا زندگی بین مردم ایران از یکطرف و استعمار و شاه و ارتجاع از طرف دیگر در گیر است. در این مبارزه، پیشوایان مذهبی و وظیفه ای بزرگ از هر لحاظ بعهده دارند. تاریخ آنها را در سر دوره حق و باطل فرار داده و باید یکبار در برگردند. یا باید عون و یار مظلومان و ستمکشان شوند و خصم ظالمان و ستمکاران گردند یا آنکه نوکری شاه و درباریان او را برگردانند و لباس و عنوان روحانیت را بازجه عوامفریبی در بار پهلوی کنند. سیاست شاه و حکومتی مولود او اینستکه روحا نیون ایران را بطرف خود جلب کند و آنها را تحت این عنوان که اروحانیت در سیاست مداخله نمیکند از هرگونه فعالیت اجتماعی باز دارد. اما بسیاری از روحانیون بکه سیاست شاه واقفند. آیت اله خمینی از مستغنی از توصیف است در بیانان خود در روز جمعه ۲۱ فروردین اسال در قم چنین گفته است: «من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسم انجام دهم و بقیه اوقات برای خورد سلطای باشم و با مورد دیگر کاری نداشته باشم... من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بشینم و تسبیح دست بگیرم... باید این مملکت را از این گرفتارها نجات داد... احباب نمیخواهند مملکت آباد شود... باین ترتیب آیت اله خمینی سیاست سکوت و سازش را محکوم میکند و مبارزه علیه احباب و حکومت فاسد شاه را واجب میشمارد. آیت اله خمینی بدرستی در بناره سرفقاله اطلاعات تحت عنوان «اتحاد مقدس» میگوید: «در صر مقاله نوشته بودند که با روحانیت تفاهم شده و روحانیون سا انقلاب

درباره مذاکرات استانبول

ارتباطات فرهنگی و دانشگاهی و مبادله دانشجو افرادی که در محبت شاه بودند مانند منصور نخست وزیر آرام وزیر خارجه جهان شاه وزیر فرهنگ اصتیا مدیر عامل سازمان برنامه آرشاکر خادمی رئیس شرکت هواپیمایی و امثال آنها خود نشان دهنده نمونه بدستها و نتکات مورد توجه است.

اظهارات سخنگویان و مبعوضات ایران و ترکیه و پاکستان و تقصیر جرایم غربی از زبانی اولیای ما را در مورد مذاکرات بین سه کشور تأیید کرد ما مکتومیم که علل تصمیم اخیر سه دولت عبارت است از تلاش برای تغییر وضع اقتصادی و سیاسی مملکت با اتخاذ اعراب کوشش برای افزودن وزن سیاسی خویش در قبال ارتیان امپریالیسم بدون انذاف راه جدایی از آن.

نر مورد اول یعنی تلاش برای تثبیت وضع سیاسی و اقتصادی خود معاف اعلامیه مشترک آنها فاش میکند. شبه در صفحه ۴

بغیال جلسه وزیران سه کشور ایران و پاکستان و ترکیه که در تاریخ ۲-۳ ژوئیه تشکیل شده بود روزهای ۲۰-۱۱ ژوئیه ۱۹۶۶ (۲۹-۳۰ آبر ۱۳۴۳) در استانبول فلوریا مقر تابستانی رئیس جمهور ترکیه بر استانبول کنفرانس سران عالی سه کشور با حضور شاه ایران کورسل وایوب خان تشکیل گردید. مذاکرات این جلسه که پس از تدارک مقدمه جلسه نخست وزیران سه کشور انجام گرفته بود منجر به صدور اعلامیه ای گردید که در تهران و آنکارا و کرایسی همزمان نشریات نکات مشخص این اعلامیه عبارتست از توافق در مورد تشکیل شورای عالی وزارت امور خارجه سه کشور چندبار دوسال برای انقیاب سیاست خارجی ایجاد خطوط بین المللی هواپیمایی و کشتی رانی سه کشور ایجاد کمیته منصفه ای طرح ریزی و پلادیان برنامه مشترک بین سه کشور بسط جهانگردی و الفه و روادید بین سه کشور تخفیف نرخ پست و بازرسی و بسط تبادل کالا تبادل کار شناسی و توسعه

شبه در صفحه ۲

زوم

رشد پایدار

یک دولت و دو مشی متضاد اقتصادی

دولت تصمیم به فروش کارخانه های دولتی استقلال اساسی این بود که اولاً کارخانه های خوب باقی بمانند و خرد میمانند. ثانیاً در این کشور ایران باید از راه سرمایه خصوصی ایجاد کرد. هرمان با این تصمیم رژیم حاکم صدامی را بتعمیم رساند که آن کارخانه های منوف و یا و شکست شده طایفان و آذکار شوند تا از تعطیل کارخانه ها بی برهان بود. و چون بنا بر کار عمده خود دولت چنین کارخانه های با هم بقدر عمده فرایند جهت قرار میگیرند. به طوریکه مجامع تهران است در شماره ۵۵۱ خود می نویسد: تاکنون خانه در نظام مختلف کشور بواسطه مشکلات دست یازشها و مؤسسات دولتی یا بانکهای غیر

دولتی تصمیم به فروش کارخانه های دولتی استقلال اساسی این بود که اولاً کارخانه های خوب باقی بمانند و خرد میمانند. ثانیاً در این کشور ایران باید از راه سرمایه خصوصی ایجاد کرد. هرمان با این تصمیم رژیم حاکم صدامی را بتعمیم رساند که آن کارخانه های منوف و یا و شکست شده طایفان و آذکار شوند تا از تعطیل کارخانه ها بی برهان بود. و چون بنا بر کار عمده خود دولت چنین کارخانه های با هم بقدر عمده فرایند جهت قرار میگیرند. به طوریکه مجامع تهران است در شماره ۵۵۱ خود می نویسد: تاکنون خانه در نظام مختلف کشور بواسطه مشکلات دست یازشها و مؤسسات دولتی یا بانکهای غیر

تعطیل آیت اله خمینی تعطیل بازار تهران

مبلغ دولتی ایران غیر داده اند که آفتی آیت اله خمینی بندهم. فعالیت خلاف مصالح ملی و امنیت مملکت. از کشور تعطیل شده و او را در هواپیمایی نشاندند که به موجب ترکیه میرفته است! رادیو لندن هنگام بحث این غیر افزوده است که خمینی مخالف سرسخت اصلاحات شاه بوده است و در اظهارات خرداد شرکت داشته است. آفتی آیت اله خمینی از زمره روحانیون بنامی است که طی سالهای اخیر با رژیم مستبد شاه مبارزه می کنند و بدین سبب مورد آزار و تعقیب و تعزیر واقع میشوند. بیان رادیو لندن در مخالفت آیت اله خمینی با اصلاحات شاه با اظهارات خود آیت اله خمینی که تصریح کرده است مبارزه او با استبداد شاه است نه با اصلاحات تطبیق نمی کند. تعطیل آفتی آیت اله خمینی موجی از خشم و نفرت نسبت به رژیم شاه برانگیخته و هم اکنون که این خبر بجای میرسد بازار تهران تعطیل شده است. ما بنویسند در این تجاویز خردسارانه مقامات رژیم کودتا نسبت به آفتی خمینی معتزترین

ملاحظه است. در بین حال دولتی متضاد در گرفته است و چنین تضادی که نتایج زیانبار آن آشکارا دیده میشود. ناشی از سیاست غلطی که برخلاف مصالح ملی ما اتخاذ شده است

از زمان که دولت تصمیم به فروش کارخانه های گرفته. ما بارها متذکر شده ایم که این تصمیم ضایع و مجموع اقتصاد ایران است. زیرا ما که رشد سریع و همه جانبه صنایع ایران و صنایع سنگین که اساس صنعتی کردن است (ش) سرمایه گذاری اخیر با رژیم مستبد شاه مبارزه می کنند و بدین سبب مورد آزار و تعقیب و تعزیر واقع میشوند. بیان رادیو لندن در مخالفت آیت اله خمینی با اصلاحات شاه با اظهارات خود آیت اله خمینی که تصریح کرده است مبارزه او با استبداد شاه است نه با اصلاحات تطبیق نمی کند. تعطیل آفتی آیت اله خمینی موجی از خشم و نفرت نسبت به رژیم شاه برانگیخته و هم اکنون که این خبر بجای میرسد بازار تهران تعطیل شده است. ما بنویسند در این تجاویز خردسارانه مقامات رژیم کودتا نسبت به آفتی خمینی معتزترین

چند مقایسه

اخیراً خبری در روزنامه های تهران انتشار یافت مبنی بر آنکه بر بودجه دارویی وزارت بهداشتی که تا کنون ۱۲۰ میلیون ریال بود ۷۰ میلیون ریال اضافه شده است. بنا به احتسابی که روزنامه یوزام امروز در این باره نموده است تا کنون برای هر نفر در سال فقط ۶ ریال به معادل بهای ۶ عدد قرص ویتامین است بودجه دارو منظور شده و افزایش رقم نهیجی ۷۵ میلیون ریال با توجه به سرشکن شدن آن بین ۲۱ میلیون نفر جمعیت ایران رقم ۶ ریال را فقط به ۹ ریال بالا می برد. حاجت به توضیح نیست در کشوری که نفد ساده ترین وسیله پیشگیری و بهداشت است و انواع بیماریها بر جان مردم تسلط دارد اختصاص فقط ۹ ریال بودجه سرانه دارو چه جنابت و مشتتگی است. اما هیئت حاکمه ای که در مورد حفظ سلامتی و حیات مردم چنین سفته است در مورد مصارف خود تا بخواهد سرف و بڈال است. دولت برای بودجه دارویی وزارت بهداشتی که با حیات و سلامتی میلیونها مردم بیمار و لالان بستگی مستقیم دارد ۱۲۰ میلیون ریال منظور میارند اما برای ساختمان فقط یک سالن مجامع شورا باعتراف جراید تهران ۱۲۰۰ میلیون ریال خرج میکند. سال گذشته روزنامه ها افشا نموده که برای ساختمان ۳۶ اطاق مهمانسرای شاه عباس در اسفهان ۳۷۰ میلیون ریال خرج شده و نیز وزیر اسبق فرهنگت اعتراف نمود که برای آنکه فرزندان رجال و اشراف مجبور به تحصیل در مدارس عمومی نباشند ۲۰۸ میلیون ریال برای ساختمان یک مدرسه ۱۵۰ نفری در حصارک خرج شده است. از این مقایسه ها که بگوریم. مقایسه ارقام بودجه نیز بنویسند خود جالب

اقتصادی مینماید. از بین ببرند. شمشیر و استقلال و در مورد ضرر دادن کارخانه های سوی خود محافل حاکمه ایران بر میگردند. در فساد دستگیر دولتی باقی زمامداران از یکطرف و فقدان حمایت از صنایع داخلی از طرف دیگر. مسئولیت اساسی محافل حاکمه ایران است. ولی جالب اینجاست

یکباری در خوزستان

کشور ایران از نظر منابع زیر زمینی در درجه ت بسیار غنی است و نسبت به جمعیت آن اگر بهره برداری شونده تنها در این کشور بیکار و بیاشت نیستند بلکه میتوان ایران را یکی از پیشرفته کشورهای جهان دانست. اما در کشور ما برعکس به های طبیعی و ملی بجای اینکه باعث ترقی و آسایش مردم باشد پلای جان ما گشته است. دست ننگین کودتا پس از سالها تلاش و کوشش زره و پیاپی برای حفظ پایه های لرزان خود میسوزد. ملی شدن صنعت نفت خونهای جوانان شهید شده گرفته بنا امضای قرار داد کسرسروم نفت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را از بین میبرد. سپس عاملین استعمار در حدود پانزده هزار نفر کران آگاه و جوانان با انرژی شرکت نفت را سالی دو ماه (۱) و بجزم عدم احتیاج برکنار ساختند و برپیل بیکاران افزوده است. ت کسرسروم نفت. پول نفت چهارروز حق بیمه بقیه در صفحه ۱۰

نماینده حزب کارگر میگوید: سازمانهای نظامی و سیاسی و جاسوسی انگلستان و خاور میانه در خدمت شرکتهای نفتی هستند

روزنامه تومانت تحت عنوان «میکارو و رهبر حزب کارگر می گوید. سازمان دولت بریتانیا را در خاور میانه تغییر داد. خبری از لندن فرج کرده است. بهمن ماه»

پان میکارو عضو کمیته اجرایی حزب کارگر در مجلتهای گفت: فعالیت ما در زمینه های نظامی و دیپلماتی و جاسوسی در خاور میانه که به بهای صدها میلیون در سال برای مؤدیان انگلیسی تمام میشود عملیات استاز مصرف بیت المال برای نگهداری نیروهای پلیسی. به منظور دفاع از منافع و افزایش سود کمیتهای نفتی اگر شرکتهای نفتی انگلستان از راه معاملات شرافتمندانه و نه از راه توسل به سر نیزه نفت را خریداری میگردند. اینکار به کاهش معنی در سود سهامداران این شرکت ها منجر میشود ولی در عوض مایه خرسندی فراوان مؤدیان انگلیسی می گردید و نتیجه هم بر دیگر آن این بود که بسیاری از سربازان انگلیسی را از اجن و محرومیت و خطر بیرون می کشید.

وام دانشگاه

مدتی از آغاز سال تحصیلی گذشته است و اخباریکه جسته و گریخته در مطبوعات تهران نوشته میشود این حقیقت مسلم را تأیید میکند که هنوز جمع کثیری از دانشجویان به علت عدم بضاعت مالی نتوانسته اند نام نویسی کنند.

پولی کردن تحصیلات متوسطه و عالی مشکل روز خانواده ها شده است. در شرایطی که باعتراف مجلسیان «زندگی برای کسایکه حتی تا ۱۰۰۰۰ ریال در آمد ماهانه دارند طاقت فرسات» دریافت شهریه های ۱۶۰۰ تا ۳۵۰۰ ریالی از مردم مسخره است. اما راه حلی که دولت برای حل این مشکل اندیشیده است بنویسند خود مضحك و خنده آور است. روزنامه ها نوشته اند دولت مبلغ پنج میلیون ریال در اختیار دانشگاه گذارده است تا بدانشجویان وام داده شود و دانشجویان بتوانند شهریه خود را پرداخته و نام نویسی کنند.

عدم ثبت نام هزارها دانش آموز و دانشجوی هنگامی که قریب دو ماه از آغاز سال تحصیلی میگذرد نشانه آست که اکثریت مطلق خانواده ها قادر به تحمل بار کران شهریه نیستند. این واقعتی بجای آنکه دولت را بیدار کند و او را وادار بجران سیاست غلط و اشتباه آمیز خود نماید. او را باین فکر

این اظهارات پان میکارو از این لحاظ که باز دیگر از شیوه های غارتگرانه و بناید امپریالیسم پر مدار سه جایی است. پان میکارو صریحاً می گوید که سرپای فعالیت انگلستان در خاور میانه اتم از نظامی و سیاسی و جاسوسی برای حفظ و افزایش منافع کمیتهای نفتی است. ما از این اعتراف یکی از دستگوییان جزئی که اکنون قدرت را در انگلستان در دست دارد اتخاذ سند می کنیم

پیشنهاد های پان میکارو به امپریالیسم بریتانیا برای «اجراء عملیات شرافتمندانه» به نظر ما اندرز گوئی این امری است. مردم ایران با مبارزه خود خواهند کوشید خود را از شرکتهای استعماری و شبکه های جاسوسی آنها خلاص کنند و بدینا این پیمانها را نیتند. که خود این شرکتهای غارتگر و مصله شرافتمندانه را جانشین استعمار بیرحمته سازند آنچه که برای مردم ایران مهم است قطع دستهای استعمار است نه تغییر شیوه آن

تصحیح

در شماره گذشته (شماره ۹۲) در مقاله «تسلیح کفران قاهر» اشتباه فاحشی روی داده که با پوشش از خوانندگان به تصحیح آن اقدام میشود.

از سطر ۲۵ تا سطر ۲۹ ستون اول مقاله عبارات اصلی را باین شرح بوده است: «گرچه عدم تعهد یعنی مستقل بودن ولی معنای این سخن آن نیست که از شرق و غرب باید یک اندازه فاصله گرفت. زیرا این عمل در حکم بیطرفی منقی خواهد بود. ملتون او بوته نخست وزیر او را گندا تفاوت فاحش میان سیاست بیطرفی منفی و سیاست مثبت عدم تعهد را خاطر نشان ساخت و گفت...»

علاوه بر این در ستون دوم مقاله در سطر سوم عبارت: «یکی از عوامل مؤثر و مناسبات بین المللی» غلط و صحیح آن «یکی از عوامل مؤثر در مناسبات بین المللی» است.

مردم

ارجمان مرکزی غمگین تو دریا

لامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره:

گام اسارت بار تازه رژیم استبدادی شاه

در دهه اول آبان ماه سال جاری رژیم شاه در ازه در راه اسارت بیشتر میهن ما در جنگ سم برداشته و بار دیگر چهره وطن فروش و فرود ۴ خود را بر مردم ایران نشان داده است. این عبارت است از گرفتن وام دویست میلیون

یابرج ۵ در صد برای استهلاك مساله از اسلحه خرید تانک و موشک و کشتی جنگی و اعانه حق مصونیت سیاسی به مستشاران

قوانین مربوط بوام و دادن حق مصونیت در مجلس و سنا تصویب شد. بقرار اطلاع عده ای از نمایندگان مجلس شورا تحت رونق افکار عمومی در قبال تقاضای مصونیت مستشاران مقاومت شده وعدهای باین قانون رای داده اند. با آنکه دولت این واقعه را پنهان و سوسه زده و تصویب قانون مصونیت در سخن میزند، با اینحال از اشاراتی که در بیانات در سنا و سخنرانی عدهای از ستانورد شده است عده ای از نمایندگان در مجلس کلاما روشن کرده اند که این وام دویست میلیون که در برابرت تحت فشار افکار عمومی ناجار میشود ن مخالفت کنند. پیداست که درجه مخالفت بران با یک چنین قانونی تا چه حد است.

وام دویست میلیون دلاری که لایحه آن بانو تصویب رسید هدف آن آشکارا تقویت نیروی فکری شده برتری چیست؟ منصور و برخی از (پ) و از آنچه ستانورد وهرام) بهفرض این طرح و تلوغ اشاره کرده اند، این وام علیه این عراق و جمهوری متحده عرب است. اخذ این وام عسرت ماجراجویانه شاه بر ضد جنبش ملی یلی عربی است. شاه نتقن را در خاور میانه ای که کمپریالیستها طالبند و لذا از جانب امپریالیست ریکا و انگلیس همه جانبه تقویت میشود.

احاله مصونیت سیاسی به مستشاران همانطور که عمومی ایران بدرستی ارزیابی شده است چیزی جز آبیاه کاپیتولاسیون، حلالا کلاما معلوم شده

است که واژه «مستشار» واژه دروغی بیش نیست و این صدها مستشار نظامی و غیر نظامی امریکایی که بر کلیه شئون کشور ما مساطند کارمندان اداری و فنی امریکا هستند و ایران مستقیماً بوسیله کارمندان سفارت خارج اداره میشود هر غسطله ای که انجام گیرد «هیچ چیز دیگری از قانون مصونیت سیاسی مستشاران امریکائی نمیتوان فهمید

این دو قانون در افکار عمومی مردم ایران در محافل ارتشی و در مجامع روحانیت خشم و غضب فراوانی برانگیخت. منصور در نطق مشروح خود در مجلس سنا از «تحرکات ستون پنجم» در «مخالف و منبر» در چند مورد بسختی نالیده و با خشونت تهدید کرده است. «ستون پنجم» که منصور بدانت اشاره میکند مردم ایرانند. روشن است در کشوری که حق حاکمیت از آن جلموسهای مستقیم بیگانه باشد مردم آن کشور «ستون پنجم» محسوب میشوند. شور و هیجان مردم را توضیحات نامفهوم مزبور در مجلس و سنا «استدلالات» مضحک منصور داور بر اینکه گویا چون شاه از همه میهن پرست تر است «لذا چیزی که او بخواهد میهن پرستنه است» سرفاله های اطلاعات و کیهان و مجله خوانندگیا (که این آخری مقاومت مردم را «هیاهو برای هیچ» خوانده است) فرو نمیشاند. چا دارد که در این میان نقش مثبت عده ای از روحانیون را تصریح کنیم. در اثر همین مبارزه جمعی از روحانیون بر ضد اقدامات اخیر دولت شاه «آیت الله خمینی که از مراجع معتبر شیعیان ایران است تبیین شد. سازمان اطلاعات و امنیت ملی اعلامیه ای اعلام داشته که «چون رویه آقای خمینی و تحرکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تعلیم ارتش کشور» تشخیص داده شد. لذا «در تاریخ ۱۳ آبانماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید کردید». خود این اعلامیه استبداد مژور و سیاه رژیم را افشاء میکند. کدام مرجع قانونی اینهمه جرائم کبری را برای آقای خمینی «تشخیص داده است»؟ سازمان امنیت و اطلاعات «چه صلاحیت قانونی بلیه در صفحه ۲

متن نکراف کبینه مرکزی حزب توده ایران و پاسخ رفیق برزف بر رفیق لئونید ایلدج برزف دیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق برزف عزیز

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت انتخاب شما به مقام دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه شما شادباش میگوید.

ما شما را بمثابة مبارز بیکر در راه

اجرای خط مشی لنگرهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲

و تصمیمات جلسات مشورتی مسکو در سال ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مبناسیم و بهر ای شما در اجراء و تحکیم آتی این مشی رفیق فعالیت در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز بسود خلق هائی که برای رهایی علیه امپریالیزم و استعمار نو و کهن مبارزه میکنند گامیابیهای بزرگی را خواستاریم. سلامت و انرژی خلاق را برای شما در مقام پر مسئولیتان آرزو مندیم.

کمیته حزب توده ایران
ر. رادمنش

پاسخ رفیق برزف

کمیته مرکزی حزب توده ایران - رفیق رادمنش

شکر صادفانه مرا بمناسبت شاد باش صمیمانه و آرزوهای گامیابی که بسبب انتخاب من به سمت دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی ابراز داشته اید، پذیرید.

ل. برزف

اعطای مصونیت سیاسی به کارشنان خارجی ضربه بزرگ بر استقلال و حاکمیت ایروانست

لایحه ای که اخیراً برای اعطای مصونیت سیاسی به کارشنان خارجی از مجامعین ایران گذشت ضربه بزرگی بر استقلال و حاکمیت ایران و ایکه زشتی بر جنبش رژیم شاه است. این لایحه را مردم ایران بحق لایحه تجدید کاپیتولاسیون نام نهاده اند. فقط در شرایط اختناق و ترساف کانونی میتوان چنین کستاشی بزرگی مخرج داد و چنین قرارداد اسارت ووری را بعلمت ایران عرضه کرد.

بر آفتکش افکار عمومی از مصونیت لایحه بقدری بود که حتی مجامع نیز سرایت کرد و نخست وزیر خود را مجبور دید که متن سخن رانی مسروفا و پر سر و صدائی به صورت لایحه ببردارد. ولس وی بسا تمام کوششی که بکاربرد نتوانست حتی یک جمله در تأیید مصونیت لایحه بگوید و در نتیجه آن فقط بلیت دلیل ممول شد که گویند نظیر این لایحه در بعضی از کشور های دیگر نیز تصویب رسیده است.

مصونیت اساسی لایحه این است که رئیس و اعضای هیئت های مستشاری امریکا در ایران در حین انجام وظائف پر دامنه خودشان بهر جریمه که دست بزنند از طرف دادگاههای صالح ایران قابل دستگیری و تعقیب نیستند. این کار را باید بعد ها دادگاههای کشور امریکا بر طبق تقاضای ایران و قوانین کشور بلیه در صفحه ۲

راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران خرید توپ و تانک نیست

بکشور ما ابراز دارند «راه مقابله با این نظریات بهیچ وجه تحصیل قرصه های جدید و تشدید تسلیم ارتش نیست برای دستفکته کردن مناسبات باجهوری متحده عزت تنها یک راه معقول و صحیح وجود دارد و آن استقرار مناسبات سیاسی با این کشور و شروع مذاکرات به منظور حل مسائل متنازع بیه و رفع مشکلات و اختلافات موجود است. کشور ما بههروی متحده عرب هیچگونه اختلافات غیر قابل حل سیاسی و اقتصادی ندارد. دشمنی با این کشور و تخلفات سیاست آن بفتح صلح و امنیت خاورمیانه و مصالح میهن ما نیست. روزنامه های ایران مدتهاست در سبیل تهمت و افترا جانب جمهوری متحده عرب رئیس آن جمال عبدالناصر روان کرده اند. از این تبلیغات ارتجاعی و تحریکات آمیز فقط امپریالیسم و دشمنان صلح و امنیت در خاورمیانه منافع استفاده

رژیم شاه بجای اینکه در سعد ایجاد مناسبات حسنه و حسن تفاهم با جمهوری متحده عرب باشد «راه سابقه تسلیحاتی و تهدید را در پیش گرفته است. حسنه منصور در نطق خود در مجلس سنا گفت: «کوشش مستمر ما آنست که خاورمیانه شاد سایر مناطق در امنیت و آرامش بسر برد ولی اگر خود آنها نتوانند و یا موجودی فراهم شود که چنین آسایش را بلیه در صفحه ۲

قرصه جدید دویست میلیونی ایران از بانکهای امریکائی به منظور خرید اسلحه و مهمات و تقویت بودجه ارتش در محافل سیاسی و مطبوعات ایران مورد بحث و وسیع قرار گرفته است. مقامات حاکمه ایران میکوشند که با استناد بدلائل ناموجه و کاذب عمل خود را توجیه کنند و آنرا بفتح استقلال و حاکمیت ملی ایران و نموداری از حسن نیت خود بشمار آورند. نخست وزیر تاکنون چند بار جریان این قرصه را مورد بحث قرار داده است. شاه نیز در مراسم سلام چهارم آبان بطور تلویحی بصداف از آن برداشت. ولی نه در نقطه ای نخست وزیر و نه در اظهارات شاه هیچگونه دلیل مقنعی که بولاند مجوز اقدام دولت قرار بگیرد وجود ندارد. نخست وزیر میکوبد دلیل قرصه جدید آنست که استقلال و تمامیت ارضی ایرات مورد تهدید قرار گرفته است او نمیکوبد از لاجا استقلال و تمامیت ارضی ایرات مورد تهدید قرار کرده است. ظاهرأ مقصود منصور (با توجه بدعوی روزنامه های دولتی) آنست که استقلال ایران از جانب کشور های مستقل و ملی غربی و در درجه اول از طرف جمهوری متحده عرب مورد تهدید است. بنظر ما اولاً «تمامیت غیر قابل انکار تکذیب گشته این ادعا است. ثانياً «بفرض در جمهوری متحده عرب محافل باشند که مساله احساسات نلسونالیستی نظریات سونی نسبت

برتراند راسل رژیم محمد رضا

شاه را افشاء میکند

روزنامه الاهرام جانب قلعه در شماره ۳۵ اکتبر خود مقاله بسیار جالبی از برتراند راسل درج کرده بود که ما اینک خلاصه آنرا از نظر خوانندگان گرامی میکشیم.
برتراند راسل مقاله خود را چنین آغاز میکند: «معدنه نیوز ویک در ماه مه ۱۹۶۱ اظهارات ستانورد همبری را بچسب دادند. ستانورد معذور در آنجا چنین گفته بود «اینهمه است. اینهمه است. بروم های ایرات بیکی از رجال ما چه گفته است» وی گفته است که پیش ایران در سایه کمکهای کثورهی متحده امریکا دارای سازمان شایسته است و قدرست که تمام مردم غیر نظامی را در دست بگیرد.
قده در صفحه ۳

اعلامیه آیت اله خمینی

دنیاست تر کرد «اهدات بارش معترم ایران و صاحب مندان و درجه داران نمود. حریت دادگاهی ایران را یا بعال کرد. به نسکین ترین تصویب نامه دولت سابق با پیشهاد دولت حاضر بدون اطلاع ملت با چند ساعت صحبتی سری رای مشت داد. ملت ایران را در تحت اسارت امریکائها قرار داد. کتوب مستشاران نظامی و نیم نظامی امریکا «جمع خانواده و مستخدمین آنها آفاند هر جانبی میکنند هر جانبی میکنند. پلیس ایران حق بازداشت آنها ندارد. چرا برای اینکه امریکا مسکوت عورتست و نوات ایران محتاج دلار بجهت این رای نسکین کرد یک مستشار امریکائی با یک خداه مستشار امریکائی یکی از مراجع تقلید ایران «بیکی از افراد محترم ملت» بیکی از صاحبمنصبان عالی رتبه ایران هر قدرتی بلیه در صفحه ۲

ت عظیمی که بغارت میروند

زمانیکه قرارداد کنسرسیوم نفت بسته شد ایران در هوار بیچ نایب رئیس شرکت استاندارد نیوجرسی که از جانب شرکتهای نفتی متشکل سرسیوم بین المللی نفت مأمور امضاء قرارداد بود «فرسیدند لوق بین این قرارداد و امتیاز عظیم نفت ایران و انگلیس چیست؟ هوار بیچ ب گفت: «بیایی قراردادی که بما حق مالکیت ن مدت طولانی اعطاء کند. بما حق کامل و استفاده از این دارائی برای همان مدت و همان الی داده شده است. فرق بین این دو آنست یعنی بشما بفروشنده و یا حق استفاده از آن. و برای تمام مدتی که اتوبیل قابل استفاده بلیه در صفحه ۲

بست دهمین سال انعقاد قرارداد کنسرسیوم و اعطای امتیاز جدید نفت در خلیج فارس

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

بار مالیات ها و عوارض تازه ای را بر دوش مردم ایران گذاشته اند؟

حکومت منصور در ادامه سیاست اقتصادی فلاکت‌بار خود خود عمده‌های تازه ای برداشته است. لایحه ای که در ۳ آذر به مجلس تقدیم و در تصویب شد، یکسکله مالیاتها و عوارض وضع گردیده است که حدود آنها بیش از پیش موجب بار هم بیشتر تورم، بالا رفتن سطح قیمتها و اختلال تازه در سیستم اقتصادی و مالی کشور بود. بموجب قانون جدید از تاریخ اول فروردین عوارض شهرداری از بابت فروش هر لیتر بنزین از هر خواهد بود. با طبق همین قانون از هر که با گذرانده دولت شاهنشاهی ایران به خارج و مسافرت مینماید، برای هر بار خروج از کشور هزار ریال اخذ خواهد شد. از افراد خانواده ای هر نفر ۲۵۰۰ ریال گرفته خواهد شد. فروش مشروبات نیمه الکلی نیز برای هر لیتر ۱ ریال افزایش یافته است. مالیات تهیه و فروش صنعتی از ۵۸۰ میلیون ریال به یکصدیابار رفته است. علاوه بر افزایش های مندرج در لایحه تصویب شده مالیات ۵۰۰ در هکتار و زمین است که در بهای یکسکله از یک رسته از تولیدات انحصاری دولت افزایش داده شد. بموجب تصویب نامه های مورخ ۱ آذر بران بهای محصولات نفتی و بنزین در کشور بل توجهی افزایش یافته است. عوارض جدیدی کلیه اتومبیلهای سواری، تاکسی و کرایه وضع کرده اند. منصور نخست وزیر برای ایج و تصویب نامه های دولت نطق متصلی در وارد کرده است که جز سفته و تعریف تجاری نیست. منصور میخواهد اینطور وانمود هدف مالیاتها و عوارض جدید رفع عیب مالدکی و تامین اعتبار کافی برای اجرای برنامه های تأمین عدالت اجتماعی است. این دولتی باقیمت منطبق نیست. علت اصلی بحران اقتصادی و مالی ایران سیاست ضد ملی رژیم است. این سیاست میبایست بر فدا کردن بقیه دو صفحه ۴

اجراجوئی خطرناک

واشنگتن اخبار اضطراب انگیز میرسد: واشنگتن میخواهند جل همیش ویتنام جنوبی کمال بزرگوارها و گذار کنند. اما در امر، ژنرالهای امریکایی و در رأس آنها ژنرال سولت تیور سفیر امریکا در سائیکون بسیار کشاکش دامنه عملیات جنگی بدهاک کشور و ویتنام شمالی و سپس بدهاک لائوس و کامبوج است. بیست حوض، یک جنگ بسیار خطرناک در جزیره هندوچین. ل از اینکه زلمیداران امریکا بچنین تصمیم ای بر سند مبارزه ای طولانی میان نمایندند. کتب نظامی، و سیاسی، امریکا انجام بر دوران ریاست جمهوری ایزنهاور برای حل صرفا از پیش تعیین گاموله استفاده میشد.

متن تلگراف شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت عید انقلاب اکبر و پاسخ

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بکمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
رفقای عزیز!
کمیته مرکزی حزب توده ایران بدیناست
چهل و هفتمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی
اکبر که جشن همه زحمکشان جهان است به
شما صمیمانه شادباش میگوید. انقلاب کبیر
سوسیالیستی اتمبر برای نخستین بار نظام نوین
اجتماعی فارغ از بهره کشی انسان از انسان
را که آزادی واقعی رنجبران را تأمین میکند
برای داشته است از آن زمان اتحاد شوروی
در پیشا پیش جنبش کارگری و کمونیستی
جهانی راه انسانیت را بسوی آینده ای مسوده،
بسوی کمونیزم هموار میگردد. اتحاد شوروی
که محصول انقلاب اکبر است طی گذر از
نیمقرن روسیه عقب مانده را بکشوریکه دارای

یادی از حقوق پامال شده مردم ایران

این مواد اعلامه جهانی حقوق بشر که
در ۱۹ آذر ۱۳۲۷ (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)
در مجمع عمومی سازمان ملل با اتفاق آراء به
تصویب رسید و دولت ایران نیز یکی از
اعضای کنندگان آن بود توجه کنید:
«ماده سوم - هر کس حق زندگی،
آزادی و امنیت شخصی دارد.»

ماده پنجم - احدی را نمیتوان تحت
شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که
ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری
یا موهن باشد.
ماده نهم - احدی نمیتواند خود سرانه
توقیف، حبس یا تبعید شود.
ماده سیزدهم - هر کس حق دارد هر

روحانیون میهن پرست با قانون مصونیت و معافیت

مستشاران امریکائی مبارزه میکنند

تصویت لایحه مصونیت و معافیت مستشاران
امریکائی در ایران خشم و غضب تمام محافل
اجتماعی و سیاسی میهن پرست ایران را برانگیخته
است در این میان روحانیون میهن پرست ایران

پس از اینکه این زبان زبونی خود را برای حل معضلات
چون سرکوب جنبش آزادی بخش ملی نشان داد در
دوران زمامداری کندی درصدد برآمدند راه حل سیاسی
را مورد بررسی قرار دهند و اینک بار دیگر «مکتب
نظامی» بر «مکتب سیاسی» مسلط میشود.
فرجهای این تغییر شیوه ها نشانه های امپریالیسم
امریکا برای سرکوب جنبش قهرمانانه آزادیبخش مردم
ویتنام جنوبی یکی پس از دیگری با شکست منتهی
روبرو شد و جز اینهم نمیتوانست بشود. ژنرال تیور
فری یکی از مصاحبتان خود گفته است که در ویتنام
جنوبی در آن واحد ۴۵ جنگ مختلف انجام میگردد
ولی هر واقعت امر در این کشور فقط یک جنگ انجام
میگیرد و آن جنگ توده های مردم علیه «امپریالیسم»
عنایه رژیم پوشاری دست نشانده امپریالیسم است. فرام
آزادی و استقلال است. فرام نبرد مقدس اکثریت قریب
بتمام توده های مردم شهرها و دهقانان ۱۱ هزاره
بقیه در صفحه ۳

تراژدی کنگو

هوایبماهای امریکائی از نبرد کاهنای انگلیسی
پرخاستند و جابریازان بلژیکی را در شهرستانی ویل
بیاده کردند. در ظاهر برای اقدامی که پل هژری سیاک
و زرخارجه باژیک آبرو داشت عدل و انما انسانی، بمنظور
و نجات گروگانهای سفید، از چنگ دژجیمان سیاه
ناید (۱۰) و آن در واقع برای سرکوب و تفرقه در خون
ساختن جنبش رهایی بخش ملی کنگو، این کجیینه
قروتمند افریقا - جزایر و رادوبو های غیره از کشتار
اوتان ۵۸ سفید پوست درستانای ویل صحبت میکنند
ولی واقعت کشتار دمغزار بن هواداران استقلال کنگو
را که بدست جابریازان و مزدوران سفید ارتش خالص
منظور موسی چیمبه انجام گرفته معنی نگاهمیدارند.
استعمار طلبان و اعمال آنها پس از تصرف ستانای ویل
و باتولیس شهرهای شمالی کنگو که مرکز مقاومت
هواداران نجات و وزیر استقلال طلب کریستوف
گنیه بود در به قهضای زند و چنانکه شیوه آنها
است (و ما خود نظیرش را در آفریقای جنوبی و کردستان
ایران و چندی پیش هندوستان را در عراق مشاهده
نمودیم) برای ریشه کن کردن جنبش در این صنعت
از هیچ تبهکاری احتراز نکردند. با همه اینها مبارزان
استقلال طلب کنگو ایستادگی میکنند. چند روز پیش
کاستوت سومبار و وزیر جنگ کابینه کبینه در شهر
خرطوم پایتخت سودان اعلام داشت: «بجز من همه
اعضای دولت در خاک کنگو هستند» معلوم ادایه
دارد. کبینه در اعلامیه دوم دسامبر خود گفت:
ما بهیچیزه برای بهائی میهن خود بتلاش فو برابر ادامه
خواهیم داد.

علت مداخله و مهاجمه امپریالیستی امریکائی
بلژیکی - انگلیسی - آلمانی غربی به کنگو روشن
است در کنگو هم عمده مسی اورانیوم و کوبالت
جهت سرمایه داری بدست میآید. امپریالیستها ابتدا
ایالت زرخیز کاتانگا را یکمک تیره خوار موسی
چیمبه از زیر سلطه حکومت ملی وقت خارج ساختند
و بتوسیس لومومبا رهبر نهضت رهایی بخش را بدست
بیاوردند. بقیه در صفحه ۳

دهقان در حال کوچ و مالکان در عسرتکده ها

اعضای سازمان اصلاحات ارضی گزارش ملیت
خود را از آغاز کار تا پایان مهر ۱۳۴۳ انتشار داده است
بموجب این گزارش در طرف مدتی قریب سه سال که
از شروع کار اصلاحات ارضی میگذرد ۹۹۷۰ ده نهم
نه کلا ششادنگ، بلکه قسمتی ششادنگ و قسمتی
کمز از ششادنگ بعد از فروغده شده است طبق

آکسیون فریخته راه مرحله دوم اصلاحات ارضی
طبق گزارش سازمان فقط ۹۹۷۰ ده بدفقتان فروخته
شده است که تازه معلوم نیست از این مجموع چند
ده ششادنگ، چندده متعلق بمالکان چند ده خالصه
بوده است. بدینطریق از ۴۲۵۰ دهی که طبق
احصای سابق میبایست در مرحله اول مشمول تقسیم
قرار گیرند هنوز ۳۲۵۰ ده از فرودترین و حاشاخیز ترین
دهات ایران در دست خانواده شاه مالکان و دولت
باقی مانده است.

در گزارش سازمان اصلاحات ارضی تصریح شده
است که با احصای افراد خانواده های دهاتی ۱۷۱۱۶۸
جمعا نفر صاحب زمین شده اند و همین
وام بی بائگی ادعای شامرا در قوه مناسبات ارباب و رعیت
و آزاد شدن دهقان ایرانی روشنی ثابت میکند. وقتی
از ۱۵ میلیون دهقان ایرانی فقط کمی بیش از ۵
میلیون آن زمین دار شده باشند، بدین مناسبت که
هنوز قریب ۱۳۰۵ میلیون نفر دهقان معجزان گرفتار
ستم ارباب و بیزدگی ناشی از مناسبات ارباب و رعیت
رختی هستند اخبار جزایر تهران وضع برایشان
دهقانان را تا حدودی روشن میکند. صحنه تهران
اکنون میباید در تاریخ ۹ آبان ۱۳۴۳ در این باره چنین
بنویسد:

مردم از پیشوایان آزادینخواه و استقلال طلب دینی پشتیبانی میکنند

بظهوریکه معلوم است روز ۱۶ آبانماه مأمورین شاه آیت اله خمینی را تحت الحفظ از قم فرودگاه مهرآباد بردند و از آنجا بمقصد نامعلوم خارج از کشور تمهید کردند گفته میشود که اشغال با یازمیر در ترکیه فرستاده اند. بعید هم نیست زیرا ترکها با دولت ایران در ستو هم بیجان هستند و با آیت اله خمینی همان رفتاری را خواهند نمود که دولت ایران کرد آنچه مسلمست آیت اله خمینی را جانی برده اند که از هر نوع آزادی محروم است این اقدام که مخالفت با اجدادی ترین حقوق افراد و نقض صریح قانون اساسی و حقوق مدنی است سیلی از نفرت و زنجار در بین مردم برانگیخته است منعم روحانیت را سخت برآشته و مخالف اجتماعی و مترقی را با اعتراض شدید و جدی واداشته است بمعنی انتشار اعلامیه سازمان امنیت کسبه و تجار دست تمهیل بازار و مغازه ها زدند سازمان امنیت مانند همیشه سلاح زور و تهدید متوسل شد و اعلام داشت چنانچه بازارها را و دکا کین را باز نکنند در آنها را گل خواهد گرفت گروهی از مأموران نگار سازمان شیطانی امنیت بازار سرازیر شد و طبق معمول بگرفتند و نفرت نامه آغاز کرد جلو چند دکان از بازار بزازها و دروازه حضرتی را که صاحبشان حاضر بزاز کردن و سوزیدن تهدید شده بودند تیغه کردند و پشت آنرا خاک ریختند علاوه بر مقاومت و تظاهرات بازاریان و مغازه دارها که بر حسب سنت و صورت تمهیل بازار اجراء میشود. عده ای از علماء و روحانیون کتبا و شعاعا صدای اعتراض خود را علیه حکومت مخلوق شاه بلند کردند: آقای سید محمد هادی حسینی میلانی که از علمای ساکن مشهد هستند ضمن اعلامیه ای بتاریخ ۱۸ آبانماه خطاب بمعلمای قم و تهران چنین می نویسند:

عجیب نیست بمعظم له (مقصود آیت اله خمینی است) که یکی از مراجع تقلید و مصونیت قانونی دارند و از شخصیهای بزرگ اسلامی میباشد نهتنها تاروایی میزند و بی احترامی میباید. اولیای ایسکونه امور بداندند ایشان نهتنها بلکه لسان ناطق همه جماع روحانی و دینی هستند و گنده ایشان کلام حق و حقیقت است. علاوه بر آیت اله میلانی جمع کثیری از روحانیون بنام مشهد و تبریز در تاسکراهای قدیمی ای خطاب به آیت اله شریعتمداری و آیت اله مرشی به تمهید غیرقانونی آیت اله خمینی سخت اعتراض کرده اند. سازمانهای مترقی و اجتماعی ایران نیز علاوه بر روحانیون پشتیبانی خود را از مبارزه آیت اله خمینی علیه قانون مصونیت و معالمت مستشاران امریکائی اعلام و نفرت و انزجار خود را از تمهید ایشان ابراز داشتند. روزنامه ارگان سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا اعلامیه میسوزد بتاریخ ۱۸ آبانماه در این باب انتشار داد:

خواندنبا میمانیم. شخصیت آیت اله خمینی را اعلامیه سازفت امنیت و بدیهه گوئی رادیر لندن بوجودنیاروده است بلکه این شخصیت را آیت اله خمینی قطع نظر از مقام روحانی خود از راه مبارزه مستمر علیه حکومت جبار و قانون شکن ایران و از راه دفاع از استقلال و آزادی کشور در مقابل اربابان لیره و دلار و مزدوران آنها کسب کرده است.

تاریخ مشروطیت ایران سرشار از مثالهای یاری است که چگونه مردم با روحجویان رفتار کرده اند. روحجویان مانند شادروان بهبهانی و طباطبائی را مردم چون مردهای دیده خود دوست داشتند زیرا آنها در راه آزادی و استقلال کشور و سقوط استبداد سلاطین قاجار قدم برداشته. از کسائی چون شیخ فضل اله نوری پهل شخصیت کردند. آیت اله کاشانی را تارویریکه از هدفهای ملی پشتیبانی میکرد روی دست میبردند و محض خنالت با بهضت و بند و بست با شاه و پشت کسروند بدکتور مسدود در یک روز بصوت بیشتری آوردند. تئوری دستگاکه حاکمها که بلند گویان او از نیل خواندنیها هستند. اینسکه در کونتم مهرقدف تقسیم از و سولایت در میان افراد ملتی بیشتر باشد و مقامات افراد و دستها در کار یکدیگر. خاصه در کار حکومت مداخله داشته باشند. کاروان تمدن آن لت زودتر بمقصد میرسد. طبق این نظریه روحانی اید بنماز و روزه پردازان کاسب و پیشه ور فقط به قسب و پیشه خود مشغول باشد. دانشجو تنها درس فواید کارگر و دهقان هم مشغول کار و زحمت باشد میکاران هم در انتظار کار باشند و عده ای هم بنام و حکومت و دم و دستگاکه اویسیاست. یعنی

حکومتی است مردم و من فروش و شیش و نوش سرگرم است. از این صریحه نمیتواند برای یک حکومت دیکتاتوری مانند حکومت محمد رضا شاه قیام کرد. براساس این تئوری است که آیت اله خمینی و عده ای از روحانیون و استادان دانشگاه و سایر فخرها و مقامات مردم محکوم به تمهید و حبس و اعدام میشوند زیرا آنها تقسیم کاره را بهم زده اند درسیاست یعنی در کار سرشویت خود و مملکتشان دخالت کرده اند. آنها چه که شاه اتباع امریکا را بنام مستشاران بازاران میآورد و آنها مصونیت میدهد. آنها چه که شاه جاس میزند و آنها چه مربوط که شاه منافع ملی و ثروت ایران را بخارجیان میدهد. آنها چه مربوط که دروازه های مملکت را بروی سرمایه و مال التجاره خارجیان باز میگذارد. آنها چه که ایران بفسور امریکا و انگلیس در بیجان ستو عضو شده و رقم بر دم و صرف توپ و تانک و هواپیما میکند. آنها چه که شاه و خانواده او شرکت خارجیان مردم را بتوانع مختلف میچیند. آنها همه وظیفه سنگین شاه و اقدار اوست قبول معروف صاحب اختیار خرت برون چکار داری بترخ اون. این بدیهست که طبق این نظریه وقتی آیت اله خمینی خطاب بمردم میگوید: «ایمانت ایران میداند که در این روزها در مجلس چه گفتند» میداند

چنانچه به پیشهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد. اقرار بمستمیره بودن ایران نمود. سند وحشی بودن ملت مسلمان را بامریکا داد. و یا آنکه اظهار میکنند: «باید پارلمان بموت از ملت باشد» باید دولتها ملی باشند. باید اختیارات ازمعایوات برداشته شود. و یا در جلی دیگر نطق خود در قم اعلام میدارد که: «دنیا بداند هر گرفتاری که ملت ایران و ملی مسلمین دارند از اجانب است» از امریکاست. اینها همه تجاوز بحق شاه و حکومت ساخته او و اربابان اوست! همچنین اظهارات آیت اله شریعتمداری که میگوید: «اسلام میخواهد مسلمانان استقلال کامل داشته باشند» استقلال اقتصادی. استقلال سیاسی. استقلال قضائی و استقلال دینی اسلام هرگز اجازه نمیدهد که بیگانگان در شئون زندگی مسلمانان دخالت کنند. اما با نهایت تأسف اخیرا قانونی از مجلس گذشت که باستقلال مملکت ما لطمه زبایه وارد ساخت و آن مصونیت مستشاران نظامی یک کشور خارجه یعنی امریکا بود. این ذلت بزرگی برای ملت است. تجاوز از حد یک روحانی و دخالت در امور کارشناسان خنات کار سیاسی یعنی شاه و عمال اوست! آیت اله انجلی مرشی که از مراجع بزرگ تقلید است در نامه خود چنین می نویسد: «دولت ایران وسیله مغایبات و دستگاکه تبلیغات مملکت ما را همردیف ممالک راقیه دنیا معرفی میکند و حال آنکه عملا بر خلاف آن رفتار

می نماید. بوضع ملت بیچاره ستمدیده گریه کنم. یا بوضع فقرا گریه کنم که فدای زستان با این گرانی قیامت! با این قطعی وسائل زندگی چه خواهند کرد بوضع اقتصادی مملکت گریه کنم یا بازاران ملج و را که گریه کنم بوضع الرجال مملکت گریه کنم بگرفتاری علماء و خطباء و دانشمندان و رجال و اساتید محبوب گریه کنم یا بجزرها و شکلیه ها گریه کنم. اینگونه اظهارات گرو چه بیان واقعیت است اما چون با نظریه تقسیم کاره مغایر است جرم و گناه نابخشودنی است! همواره گروهی از روحانیون ایضاً مردم بیوسه و نایه وفادار بوده اند. این سنت سیئه است که امروز آیت اله خمینی آیت اله تجلی مرشی آیت اله شریعتمداری حجت اله اسلام آقای قاضی و روحانیون چون آقای طالقانی و اسلامی و دیگران با قبول تمهید و حبس و شکنجه آنرا ادامه میدهند. اینان مردم را بتفویض و اتحاد و مبارزه علیه حکومت خبیثکار شاه دعوت کرده اند. ما ضمن تأیید این دعوت که همواره مورد نظرمان بوده از تمام نیروهای ملی و ضد استعماری میخوانیم که با ترک موقعیت یا دست نرفتن بیشتریشکلیک و تمسک جبهه واحدی از تمام سازمانها و عناصر ملی و مردمی نگاه کنند تا این انجام وظیفه خطیری که بر عهده همه هست بیش از این تأخیری رخ ندهد.

مردم - شماره ۶۲
اول تیرماه ۱۳۴۲

هفته خونین خر داماه

تفازل حکومت او وترس او از توده های مردم است. سیستمی که در کشتار توده های مردم بکار رفت گرواه تازهای برانست که این دژخیم خلق ایران از هیچ جناحی برای نیکهداری تخت و تاج خویش روی گردان نیست. حوادث هفته خونین خرداد ماه بار دیگر نشان داد که مردم هفت شماره یک خویش را بخویش تشخیص داده و در نفرت خویش رژیم محمد رضا و شخص او را هدف گرفته اند. حوادث هفته خونین خرداد ماه بمباران راه آزادی نوید میدهد که مردم ایران بنامه

مصائب درجهائی که کشیده اند و قربانیانی که داده اند بر حشیه حوادث قرار ندارند. آمده همه گروه جانپزایی و فداکاری اند. دستگاهای تبلیغاتی شاه میکوشند که نهضت ضد رژیم کودتا را با انتساب آن بشماره های ارتجاعی آلوده گردانند و عمل قهرمانانه ددها هزار از مردم ایران را در اعمال و نیات اشخاص معینی خلاصه کنند. وظیفه مبارزان راه آزادی و دمورکلسی ایران مبارزه با این حمل و تحریف مژورانه است. بدون تردید هیچکس و هیچ مقامی نمیتواند به اندازه مردم زحمتکش ایران به شمار اصلاحات عمیق ارضی و آکادری زمین را بیکان بدعقلان و براندختن رژیم ارباب رعیتی علاقه و دلپسندی داشته باشد. بزرگترین پشتیبان این شعارها و نیزبندترین وسیله اجرای آنها خود مردم اند. بنظر این نایب اجازه داد که محمد رضا شاه صدای مردم را با صدای مالکشان ارضی و دستیاران روحانی امای آنها مشتبه گرداند.

صفحه ۳

بیاد خرداد خونین

بوده و برای آمدن توده های پرجمعیت سبلی از کینه و نفرت بجانب شاه و نام رول گردید و ناخشنودی خود را از زندگی تجلی می کردند با دادن شمار های ضد شاه و نام ایران نمودند. اینکه چه کسی و با چه گروهی اولین شعله کبریت را باین مخزن پروداوت زده هم نیست. مهم اینست که شمار زندگی و ناخشنودی از حکومت شاه و وضع موجود انقدر بود که مردم متعصب فرصتی بودند تا تودار و آه سینه خود را بر ملا کنند. اگر نه چنین بود چگونه ممکن میشد دهها هزار نفر از مردم عادی با اظهارات صریح شاه کشند. اظهارات مردم طغیان شور و شوقی که داشت مناسبت آمیز بود. اما واکنش حکومت ایران شاه در همین مردم بهتری شدید، ظالمانه و بیرحمانه بود که از حد تصور خارج است. شاه و دولت علم تمام نیرو های مسلح خود را یکباره به مقابله مردم آورده ارتش پلیس سازمان امنیت و دسته های مأمور خرابکاری با تمام تجهیزات بمردم بی سلاح حمله کردند و مراکز مهمی را برای بربانی کردن اظهارات مردم آتش زدند. صفای صغیر گدوله و فرش تانکها تهرات را بپاره در آورد. رگبار مسلسلها در تهران و شهر های دیگر هزاران نفر زن و مرد و کودک بیکانه یا مانند سرک خزان بیروزی زمین ریخت. سبلی از خون پاک مردم در خیابانها و کوچه ها جاری شد و هزاران خانواده داغدار شدند. مردم و شاه قیافه واقعی خود را نشان دادند. تصویری از جگر خونین مردم با خون آنها بر حاکم نقش بست و در کنار آن قیافه واقعی مردم سفاک و خونخوار یعنی شاه ریاکار آشکار گردید. شاه و پلندگرویان رژیم و سعی بسیار کردند که این نمایش بزرگ خلق را بصورت تحریکی از طرف نژادها و مالکان و عده ای از روحانی نمایان جلوه گر سازند و جنایات فجیع خود را زیر آبیوشی از اتهامات سازوا بیوشند. ولی حوادث یکسال اخیر نشان داد که این قبیل تیرنگها پیش مردم ایران رنگی ندارد و افکار

عربی... ما عرب و اعراب متحد شویم و مغالبتی از میل... عظیم و پیشوای مالین هم دعوت بانهاد کند ولی نه بر پایه ملی، بلکه بر پایه کار و کوشش. پایه طبقاتی! آیا میان عربها سرمایه دار هست، لاک هست؟ هیچکس نمیتواند مگر شود که هست. موب! اما این عربهای سرمایه دار و ملاک برداران کارگران دهقانان عرب هستند، همان کارگران دهقانانی که برای آنها کار میکنند و در معرض استثمار آنها هستند؟ نه. در نظر من یک کارگر عرب، یک خان عرب نزدیکتر از یک سرمایه دار و ملاک من است. خروشجفت افزود: «اتحاد شوروی بکمک راب بطور اتم نیامده است، بلکه بکمک خلق سر آمده که مبارزه علیه امپریالیسم و استثمار خاسته است. ما بکمک جمهوری متحده عرب لده انیم تا طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران، صنعتکش و تمام نیرو های مترقی ملت بتوانند با برعت بیشتری در راه ساختمان زندگی نوین به پیش روند. اینست فلسفه لین و سیاست لین». نیکیتا خروشجفت خطاب به جمعیت شرکیت گفتند در میتینگ آسون گفت: «دوستان، من ۷۰ سال از عمر میکنم و در عمر خود برای سرمایه دار روس، آلمانی، بلژیکی و فرانسوی کار کرده ام. همه آنها سرونه یک کربانند. سنگ زرد برادر شغال است. با نجهت من که روس هستم کارگر عرب، دهقان عرب را برادر خود میدانم. من که روس هستم ملاک و سرمایه دار روس، ملاک و سرمایه دار عرب را دشمن خود میدانم. در اینجا بدستی گفتند که اتحاد شوروی بدون هیچ قید و

چه ناهای فرده ام نه بدین صورت است بجهت ام زجرهای آتوبیول له تورس
از خیربگر کیهان سر بنشر بهاوی
کیهان ۵ اسفند ۱۳۴۲

از بچه های ۷ تا ۱۲ ساله ساکن گرد های سوب شهر تهران فقط دو فر صد مرده میروند و بجه برای تأمین خرج منزل به نوان کارگر در کارخانه ها کار میکنند. اکثر آنها چون در نزدیکی کارخانه شیشه سازی کار میکنند روت صورت و دستشان تاول زده است در کارخانه ها مواد بخت کارگر بزرگ را به سه کوفت میسند و از هر کدام آنها به نسبت بخت کارگر بزرگ که میکنند

صبرین مکتبی

دعوت منصور مهم: این هیئت سیاسی است. وای زانم. ما نه امکان آنرا دارد که همه روشن نگران ایران را بخرد و نه اکثریت روشنفکران ایران به سنگ دشمنی با ملت خویش تن در میدهند. حتی اکثریت آن عده از روشنفکران نیز که زندگی ماند نسبتاً آسوده ای دارند با حکومت شاه بر سر سازش نیستند. روشنفکران شریف ایران میخواهند ظلمت خود و خفتیاز سازمان امنیت محمد رضا شاه را از سر خود دور کنند، میخواهند پیش از این از روح و درد میلوبانها هموطنان خود در غنات نباشند. میخواهند زنجیر اسارت امپریالیستها را از گردن مین خیز خود بردارند. از اینجهت اکثریت روشنفکران ایران در صف مقابل دولت شاه است. صف کارگران، دهقانان و سایر نیرو های ملی جای دارند. هیچ نیروی نمیتواند این واقعت را بپوشاند.

سازد، هیچ پیر و ماری نمیتواند از این مسولیت سنگین شاه خالی کند. روزی که دهه های شادی و امید، سربراد و فغان جفت سوم مرگ و تیره روزی را در گلو خفه کند پدران و مادران میتوانند بخرد و بیالند. بخرود بیالند که با مبارزه خود، با تلاش و کوشش زندگی مسالمانه خود کال خویش را تأمین کرده اند. تا آن روز مبارزه علیه عوامل تیره روزی کودگان، بدون تزلزل باید ادامه یابد.

و جابر شاه تیرتر کرد یکبار دیگر ثابت نمود که بدون سازمان داشتن نقشه صحیح عمل هیچ مبارزهای بوزره در دوران کنونی که ازین دولت ارتجاعی با تمام وسائل برای سر کوب نهضت آمده است، به نتیجه نمیرسد و نیز این حقیقت بگوروا به ثبوت رساند که اتحاد کلیه نیرو های ملی و دموکراتیک شرط لازم پیروزی در مبارزه علیه استثمار و استبداد است.

اینست دشمنای عده ای که باید از حوادث خونین خرداد ماه گرفت. مبارزات آینده مردم ایران و بنگار بستن این تجربیات گرانها نشان خواهد داد که خون هزاران نفر مردم زحمتکش کشور ما در حوادث خرداد ماه ۱۳۴۲ بیوهه بزرگترین نرخته است.

روی سخن ما

با پیشوایان دینی و روحانیون است

توده مردم قرار گرفته و در راه هدفهای عادلانه آنها تا سرحد مرگ پیش رفته اند و دستهای نیز با دشمنان مردم، با سلاطین جبار و حاکم ظالم و ستمگر ساخته اند و از مقام مذهبی خود بضرر ملک و ملت سوء استفاده کرده اند. در نهضت مشروطه علمانی چون شاد روانان طباطبائی، بهبهانی و آخوند ملا کاظم خراسانی و شطرنجی چون سید جمال واعظ اسفهان، فقه الاسلام تبریزی، ملک المتکلمین و نظائر آنها جزو گروه اول و در ردیف کسانی هستند که نفوذ و شخصیت و قدرت بیان خود را در راه مصالح مردم، و در راه استقلال و آزادی ایران، در راه برانداختن حکومت خود سری پادشاهان قاجار بکار انداختند و عده ای از آنها با سر بلندی و افتخار شهادت رسیدند. مردم از آنها به نیکی یاد میکنند و مقام ارجمندی برایشان قائلند. برعکس این گروه، کسانی چون سید کاظم یزدی، شیخ فضل الله نوری، سید هاشم دوچی و امثال آنها بحدایت از دربار برخاستند و جز نام ننگین از خود یادگار نگذاشتند.

وقار دستگاه فاسد حاکمه نسبت به پیشوایان مذهبی همیشه تابع روش آنها نسبت باین دستگاه بوده است: اگر از منافع هیئت حاکمه دفاع کرده اند و نفوذ خود را بفتح آنها بکار برده اند نزدشان

محترم و معزز و مورد حمایت بوده اند. و اگر بطور جدی در مقام دفاع از منافع و خواستهای مردم برآمده اند، متغور، مطرود و دچار انواع بلاها و مصائب شده اند. رفتار شاه و حکومت او نسبت به آیت اله خمینی و آیت اله طالقانی و دیگر روحانیون شرقی، توقیف و هتک احترام آنها، نمونه ای از خط مشی شاه در مورد روحانیون است.

رفتار مردم نیز نسبت بروحانیون در رابطه مستقیم با رویه ای است که آنها در قبال خواستهای مشروع خلق اتخاذ کرده اند. یک روز سید کاغاشی را مردم باین دلیل که در نهضت ضد استعماری فعالانه شرکت میکرد روی دست میبردند و کسی جرات نداشت به مقام روحانی و اجتماعی او هاجت کند ولی بمحض اینکه قریب دربار را خود و علیه حکومت قانونی دکتر مصدق وارد دست بندهای ضد ملی گردید همان مردم او را بصورت پول سیاهی در آوردند و مسخره خاص و عاشم کردند.

دفاع از کله حق، جهاد علیه یدعالتی و ستمگری، مبارزه برای استقلال کشور و نجات آن از دست نفوذ خارجیان شرعاً و عرفاً و وظائف لازم الاجرای روحانیون است.

روحانیون آزاد بخواه بحق فکر میکنند که استعمار طلبان و مرتجعین از کارفران حربی پلیدترند.

آیت اله خمینی در کجاست؟

هنگامیکه بی خلاف تعالیم دوازدهم قانونی و اساسی آیت اله خمینی را توقیف کردند آینه بشد که ایشان را بکودک ترکیه فرستادند و در شهر آمینیه بوقت مناسب ترکیزه سپردند. اینها بقره که روزنامه وطن موسسات دولت ترکیه آیت اله خمینی را بفرستاد ایران تحویل داده و از آنکهدی پیشتر ایشان خود داری کرده است. ظاهراً دوست ترکیه برلی توقیف از هزاران برجنه شیعیان که نه از اتباع آن کشور است و نه در خاک آن کشور مرتکب جرمی شده هیچ آنها بیکه زو کم دک مردم بگاره در مراسم عزاداری بذر بیخ بمسلسل بستند و خون پاک آنها را ریختند در شقاوت از شمر و این زیاد و نام ماند آنها ای که درآمد کشور یعنی بیت المال ایران را در حال میچاپند که مردم از گرسنگی و بیکاری در گوشه و کنار با مرگ دست بگریزند از معاویه و یزید خبیث ترند. مجاهد برای موافقا از فراتر من مسلم دینداران است مردم از همه روحانیون بخصوص از پیشوایان مریز مذهبی انتظار دارند که مانند آیت اله خمینی، آیت اله میلانی، آیت اله طالقانی و آیت اله شریعتداری و امثال آنها در جهاد مقدس و عمومی آزاد بخوانند و استقلال طلبانه مردم ایران شرکت کنند و نیروی معنوی خود را در راه پیروزی این جهاد بکار اندازند و برخلاف ادعای باطل سرقاله، روزنامه اطلاعات نه با اتحاد مقدس که یعنی سکون و سازش پادشاه است، بلکه با اتحاد و همکاری بانام نیروهای ملی ضد استعماری صورت واقعی بدهند.

گروه مجوزی در دست گذاشته و هر مواجه با اعتراض شدید مردم ناچار شده ابشارها و معاموران ایران باز پس دهند. هر حال اکنون معلوم نیست که آیت اله خمینی در کجاست و در چه شرایطی بسر میبرند. دولت هم با استفاده از گذشت زمان موضوع را بکلی مسکوت گذاشته است و کوچکترین اطلاعی در این باب از کسی آمید. همچنین توقیف و تبعید بدون دلیل آیت اله خمینی موجب خشم و نفرت و اعتراض جامعه روحانیون و مخالف مختلف اجتماعی ایران گردید. سوم سکوت دولت و بیخبر گشتن مردم از سرنوشت ایشان نیز مایه اعتراض و نگرانی عموم است. نگرانی مردم، مانعاً با عمل حکومت محمد رضا شاه و دستگاه هی سازمان امنیت برای جانی آیت اله خمینی بیزهست. حکومتی که مردم را بی سر و صدا توقیف میکند و زجر میدهد و زیر شکنجه نابود میکند از هیچ جنایتی فرو گذار نمیکند. حکومتی که فقط و فقط قائم به سر نیزه و زور است بیرونی ندارد که بک شخصیت روحانی را باین دلیل که در اعتراض عمومی مردم علیه دافع امتیازات گوناگون با بریالیست ها و با پمال کردن استقلال کشور یا هموطنان همصدا شده. بیسرو صدا نابود کند و پس از آنکه آنها از اسبا اعدا جنایت خود را ببعوی توجه نماید. ما بونوبه خود بیان رویه مزدورانه و حق شکنانه دولت شدیداً اعتراض میکنیم و با کلیه سازمانها و اشخاصیکه بدافع آیت اله خمینی برخاسته اند هم آواز می شویم و همکاری و اتحاد آنها را برای آزادی اشخاص شرط لازم میترسیم.

مردم - شماره ۹۹
پانزدهم اسفند ۱۳۴۳

درمهر که خاورمیانه ت کودتا در سر اشیب یانت تازه ایست

خرداد سال ۱۳۲۲

م خردادماه سال گذشته تظاهراتی علیه استبداد تهران و برخی ولایات بوقوع پیوست که با تکیزی از هم میهنان ما همراه بود. مردمی نبلب رسیده از فرصتی که در آن روزها برای ده بود استفاده کرده و قدم در میدان مبارزه

م قلا از احتمال تظاهراتی در این روزها خبر ود آنرا بطور درست به حساب روحانیون بقم بدهد. با چنین زمینه‌ای وسایط تبلیغاتی ناهرات برجسب ارتجاعی زد تادست سازمانهای نریزی و کشتار باز بگذارد. در آنروز ظاهرآ ارتجاعی و مردود نیز بیان کشیده شده بود ت چه مقدار از آنها را مرتجعین و فتودالها با اجتماعی حاضر و آماده به میدان کشیدند و را خود سازمان امنیت دستگاہ پلیس بمنظور رات مردم و تحریک قوای مسلح به کشتار بیدریغ ه بود.

رین تردیدی نیست که در آنروزها شعار مسلط سلطنتی، شعار آزادیخواهانه و ضد امپریالیستی حتی ناظرین خارجی در ایران تأیید کردند. نیان تحت فرمان اودر مقابل این سیل خروشان سرنیزه و مسلسل و آتشبار خریدند. دهها هزار تنه که آنروز در مقابل رگبارهای مسلسل سینه سپر ع از افکار ارتجاعی و پامناغ مالکین و فتودالها آنها مردمی بودند که بقول روزنامه کیهان ن در سینه شان آکنده بود. آنها برای مطالبه ا انسانی خود جان در بلا نهادند و روحیه ملت ایران را بار دیگر بمنصه ظهور رسانیدند. بقول مقامات دولتی تاحدود سیصد نفر ولی ن خارجی تاجندهزار نفر بفرمان دژخمینی ری و بدست نیروهای مسلح چشم و گوش بسته رت مرگ چشیدند و بار دیگر ماهیت حکومت بهانیان نشان دادند و ثابت کردند که علیرغم وریا کاریها اسلوب عمده و مسلط در حکومت «دیرین اختناق، فشار و کشتار است و آنگاه که ندکشتار بدانند از هیچ سفاکی و خونخواری د و همه ملاحظات را آنانکار میگذارد. ن از قتل عام وحشیانه مزبور با کزوان معاون یس سازمان امنیت اطلاعاتیه ای منتشر ساخت ه این قصای بی سابقه در آن گفته میشد:

در روز ۱۵ خرداد در تهران روی داد و منجر ل و غارت و انهدام و آتش زدن اموال مردم و چه مداخله قوای انتظامی برای حفظ امنیت» د همانطور که امروزه هر همه مردم ایران آشکار است یک اتفاق عادی نبوده بلکه طبعی استاده یک موجود و اعترافات توطنه گران و با نات سه ماهه اخیر در چند نقطه مملکت نتیجه» ن عوامل و افرادی بوده است که از انقلاب» ملت ناراضی بوده اند...

یس سازمان امنیت سعی دارد طغیان مردم کار خوان رسیده را علیه دستگاہ جور و بیاد شاه تجاعی و نتیجه تحریک «دشمنان انقلاب اخیر» بن طریق خون عده کثیری از هم میهنان ما را می نفرت انگیز لوٹ کند و تساوت بنظیر عده ای را که آنروز دستور کشتار میدادند توجیه نماید.

ولی وی در اینجا متوقف نمیکردد و میکوشد مجموع جریان را بحساب «تحریکات خارجی» وانمود سازد و پای جمهوری متحده عرب را بعیان بکشد. بنا بر این اطلاعیه مزبور چنین ادامه میدهد:

«باینکه افشای همه اسرار از نظر روشن شدن افکار عمومی مفید است ولی طبق نظر مقامات قانونی و مأموران تحقیق فرمانداری نظامی مادام که «تحقیقات ماکمل نشود نباید اطلاعات محرمانه» مأموران تحقیق علنی گردد... باتوجه باین نکات برای «اینکه ملت ایران هر چه زودتر از یک قسمت از «فعالیتها و دخالتهای عوامل بیگانه که دشمنان» داخلی نهضت ملی ایران از آنها کمک مالی گرفته اند» آگاهی حاصل کنند و بداندند قسمتی از مخارج این «دسائس چگونه میرسیده است و در نظر و انتفال پول» چه عواملی مؤثر بوده اند امروز برنه از اسرار» «یکرشته فعالیت عمال خارجی که در این دسیسه» شرکت و دخالت داشته اند برداشته میشود».

در این اعلامیه صراحتاً جمهوری متحده عرب مورد اتهام قرار میگیرد. فعالیت ضد مصری تشدید می باید، ط فائی از دشنام و ناسزا علیه جمال عبدالناصر در نشر و مطبوعات برمیخیزد و خلاصه آنکه بانام قواکوش بعمل می آید که اولاً مجموع تظاهرات عظیم مردم در روز ۲۵ خرداد منحصر نتیجه تحریکات روحانیون مرتجع و فتودالها بقم داده شود و ثانیاً بین «محرکین» و دولت جمهوری متحده عرب پلی بوجود آید. اینک این دو موضوع را جداگانه بررسی کنیم.

دولت بسا همه جنجال و قیل و قالی که درباره دخالت «روحانیون مرتجع» و «فتودالها» در تدارک دیدن تظاهرات ۱۵ و ۱۶ خرداد سال گذشته برپا کرد، و با اینکه قلا اعلام داشته بود که این روحانیون و مسالکین را بانام و نشان میشناسد و هر لحظه میتواند دست بر روی دوش آنها که «عده بسیار معدودی بیش نیستند» بگذارد، اما عملاً اقدامی که دال بر صحت این مدعا و صداقت او باشد بعمل نیآورد. نه قبل از حوادث خونین ۱۵ خرداد و نه پس از آن حتی برای نمونه هم بکنفرمالک و فتودال بازداشت نشد، برعکس این خود شاه بود که بطرف سازش بیشتر با مالکین و فتودالها بزبان کشاورزان رفت و قانون اصلاحات ارضی را از آنچه بود مثله تر ساخت و معلوم نشد آن «مالکین محرک» که چندین صد نفر برآبیتی چند هزار نفر مردم میهن ما بنام آنها بدست دژخمیان شاه درو شدند کجا رفتند و چه شدند.

در مورد «روحانیون مرتجع» نیز اشکالاتی بیش از این وجود دارد. برای اینکه روحانیون مرتقی از مرتجع باز شناخته شوند قول روزنامه لوموند مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ را در اینجانب نقل میکنیم. خبرنگار تهران روزنامه مزبور در این شماره مینویسد:

«امروز بین روحانیون ایران دو گروه را میتوان از» «یکدیگر تمیز داد. گروه اول محافظه کاران هستند» «و آیتاله بهبهانی از مجتهدان معروف تهران در رأس» «آن قرار دارد».

سپس این روزنامه شرح میدهد که بهبهانی با هر گونه آزادی زنها و با هر گونه تغییری در مالکیت های بزرگ مخالف است و آنها را با آئین اسلام مباحین میداند. همین خبرنگار اضافه میکند:

«گروه دوم بوسیله آیتاله خمینی که مردی است» «آزادبخواه و فهردان تظاهرات ماه زوئن گذشته،» «است رهبری میشود و این گروه دوم روز بروز زمینه» «بیشتری از گروه اول بدست می آورد...»

خود آیتاله خمینی در همان اوقات ضمن اعلامیه ای صریحاً بیان کرد که وی و همزمان او نه تنها با هیچگونه اصلاحات ارضی و با آزادی زنان مخالفت ندارند بلکه از هر گونه اصلاحی بسود جامعه و ترقی آن پشتیبانی میکنند. مخالفت آنها تنها با استبداد و خودکامگی و قانون شکنی است. آنها خواهان حاکمیت قانون و خاتمه دادن با سلوب فعال ماشائی هستند و اتهام طرفداری از مالکین یا مخالفت با آزادی زنها به آنها نمی چسبید.

اما دیدیم که نیروهای مسلح شاه درست علیه مخالفین با استبداد سلطنتی بکار افتاد. درحالی که امتال بهبهانی (که بواقع سررشته افکار ارتجاعی و کهنه و مردود دراز دست داشتند) مورد نوازش شاه بودند و کوچکترین آسیبی از رژیم شاه ندیدند،

قوای مسلح پس از انتشار و حشیانه ای از طرف فرمان آیتاله خمینی و مخالفان اصول خودسری، خود آیتاله خمینی را بزندان کشانیدند و مورد تهدید و تعقیب قرار دادند. بعدها دستگاہ تبلیغاتی شاه بسیار کوشید که اجتماع و تظاهرات وسیع روز پانزدهم خرداد را بحساب «ارتجاع سیاه» و «طرفداران اصول کهنه پرستی» بگذارد و قصای و حشیانه آن روز را توجیه کند، اما نتوانست افکار عمومی را فریب دهد. بخصوص که تلگراف دوتن دیگر از روحانیون شجاع یعنی آیتاله میلانی و آیتاله شریعتی خطاب به آقای طالقانی که اینک در سباهجان زندان شاه بسر میرید بیش از پیش برده از روی دسیسه دولت و درباریان برداشت. در این تلگراف چنین گفته میشود:

«... همانطور که مکرر اعلام داشته و اکنون تکرار» «میکنیم مبارزه موجود در سطحی قرار ندارد که بتوان» «آنها عقیم نمود... ملتی کارد باستخوان رسیده» «برائت فشار و بیادگری هیئت حاکمه خود و» «ببا ایمان بصحتم راهی که میرود مبارزه را علیه» «حکومت فعلی شروع کرده و تارسیدن بمقصود و» «ایجاد یک حکومت مشروع و قانونی... از های» «نخواهد نشست... ملت ستم کشیده ایران با کسی» «سرچنگ ندارد. او میخواهد بیش از این بکسی ظلم» «نکنند، بیش از این بحقوق فردی و اجتماعی او تجاوز» «نشود. خواست او یک خواست انسانی مشروع» «است... حق مردم باید برمد و اگذار گردد و حکومت» «ملت بخودش سپرده شود».

این واقعتها جای تردیدی در سبیده بازی دستگاہ حکومتی شاه باقی نمیگذارد و تمام دعای سازمان امنیت را بنحو بارزی باطل و توطئه این دستگاہ علیه مردم را افشاء میکند.

اما در قسمت دوم یعنی ادعای دخالت جمهوری متحده عرب در بوجود آوردن حوادث خرداد:

طبق اعلامیه سابق الذکر فرمانداری نظامی در روز ۱۱ خرداد مطابق ۸ محرم سال گذشته شخصی بنام احمد القیسی بعنوان خرید قالی باباران آمده که جمعاً معادل یک میلیون تومان ارزهای مختلف خارجی با خود همراه داشته است. بعداً وی اعتراف کرده است که این پولها را شخصی بنام عبدالقادر رباط در اختیار او گذارده که در ایران بافرا مدعی رذکند. اطلاعیه فرمانداری نظامی در مورد این «عبدالقادر رباط» تأکید میکند که وی در سازمان امنیت ایران دارای پرونده بوده است. و آنگاه از قول محمد القیسی اضافه مینماید که «پولهای که عبدالقادر رباط در بیروت بن میداد از طریق دمشق و از افرادی که عمال ناصر هستند بدست او میرسید» اطلاعیه باز از قول همین قیسی میگوید «من در این موقع اطلاع داشتم که غیر از من افراد دیگری... پول باباران می آورند. اکثر این اشخاص طبق اطلاعی که من داشتم از عمال همان سیاست خسارچی بوده و با اشاره آن کار میکنند».

اینست مجموع سستندات سازمان امنیت (اگر فرض کنیم همه این مطالب درست و بدون خدشه است) برای متهم دانستن جمهوری متحده عربی. اما رئیس سازمان امنیت در اطلاعیه خود وعده میدهد و تعهد میکند و اطمینان میدهد که مدارک مثبته برای صحت این مسائل و درستی اتهام بدولت جمهوری متحده عرب و جمال عبدالناصر در دست دارد که پس از ختم دوران بازرسی باطلاع عموم خواهد رسید. در این اعلامیه ضمناً اسمی دوازده نفر غرب دیگر بعنوان دستیاران و همکاران احمد القیسی نام برده میشوند.

امازمان میگذرد. خونهایی که از پیکر مردم بی پناه ایران جاری گردیده خشک میشود، آنها از آسیابها می افتند، در این میان فقط چهارتن از مدعیان خصوصی شعبان جمعری و از آنجمله طیب حاجی رضائی اعدام میشوند، و هنوز هم که هنوز است نه از آنچنان مدارک ادعائی اثری هست و نه از بابان کار متهمین خبری. چنان اسم محمد القیسی و دستیاران انتسابیش فراموش شده که گوئی اینها خود هرگز از مادر بزاده اند و این رئیس سازمان امنیت و اطلاعات نبوده که درباره اتهامات آنها اعلامیه صادر کرده است.

تقل از مجله دنیا - ارکان تنوریك و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۴۳

تاریخ نوین ایران

بقلم دانشمند شوروی پروفور م. س. ایوانف

درست‌ترین بخش اثر مربوط است بوضع ایران در دوران جنگ دوم جهانی و اوج جنبش دموکراتیک. وقایع این دوران: فعالیت حزب توده ایران و نقش آن در مبارزه آزادیبخش خلقهای کشور، نهضت مردم آذربایجان و کردستان، دسانس امپریالیسم و ارتجاع داخلی برای سرکوب جنبش با دقت و روشنی خاصی تشریح شده چنانکه گویی نویسنده خود شاهد زنده وقایع بوده است.

مهم‌سزائی - باتفصیلی که حجم محدود اثر اجازه میدهد است - بمبارزه مردم ایران در راه ملی کردن صنایع نفت تخصیص داده شده است. مؤلف، منظره‌ای حقیقی از چگونگی این مبارزه، جهت ضد امپریالیستی آن، رقابت دو امپریالیسم در بدو امر و همدست شدن آنها هنگامی که مواضع اساسی امپریالیسم بخاطر می‌افتد و دخالت مستقیم امپریالیسم امریکا در برانداختن حکومت مصدق، با ذکر نارسائیهای که در کار جبهه ملی و حزب توده

ایران بوده است، در مقابل خواننده مجسم می‌نماید. فصل نهم کتاب شامل وقایع دوران بعد از کودتا و تسلط ارتجاع سیاه، خیانت رژیم کودتا به منافع ملت ایران و نهایت فصل دهم حاکی از وضع بحرانی و عقب‌نشینی‌های اجباری این رژیم در مقابل ناراضی‌های مردم بشکل انجام اصلاحات ناقص یعنی تثبیت موقت وضع خود میباشد.

آخر آئین «تاریخ نوین ایران» بقلم دانشمند مزبور منتشر و در دسترس قرار گرفته است که مورد بحث ماست. دائره وسیعی از مطبوعات فارسی، اسناد مضبوطه در آرشیوهای شوروی، یک سلسله از تالیفات نویسندگان خارجی، آمار رسمی، بولتن‌ها و غیره که در این اثر مورد استفاده نویسنده است ارزش خاصی به آن داده است.

اثر شامل یازده فصل است که فصل اول آن به تحلیل جامعی از اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران در اوائل سده بیستم و فصل آخر آن بمناسبت ایران و شوروی تخصیص یافته است. نه فصل دیگر وقایع سالهای ۱۹۲۱-۱۹۶۳ یعنی دوران از کودتای ۱۲۹۹ تا سالهای اخیر را دربر میگیرد. این دوره از تاریخ ایران تاکنون در اثر جامعی گردآوری نشده و نگارش آن کار قابل توجهی است که انجام گرفته است.

فصول دوم، سوم و چهارم کتاب جنبش‌های آزادیبخش سالهای پس از انقلاب کبیر اکثر روسیه که تحت تأثیر مستقیم این انقلاب بوجود آمده، تحلیل تیره‌های طبقاتی آن زمان و مبارزاتی را که منجر به انقراض سلسله قاجار شده و سلطنت رضاشاه را دربر میگیرد.

در اوائل این دوره امپریالیسم انگلیس که در نتیجه انقلاب روسیه سلطه نظامی خود را تاقفاقز بسط داده بود در مقابل پیروزیها و بسط داده‌ها این انقلاب مجبور به عقب‌نشینی شد و کوشید تا نقشه تسلط خود را در ایران از طریق روی کار آوردن رضاخان زیر پرده حکومتی که گویا متکی بخلق است عملی سازد. چگونگی این پروسه و تغییرات بعدی که در حیات کشور رخ داد تا موثقی که ایران در اثر سازش رضاشاه در آستانه جنگ دوم جهانی یکی از پایگاههای آلمان هیتلری تبدیل گشت در این فصول تشریح شده است.

زنده‌ترین بخش اثر مربوط است بوضع ایران در دوران جنگ دوم جهانی و اوج جنبش دموکراتیک. وقایع این دوران: فعالیت حزب توده ایران و نقش آن در مبارزه آزادیبخش خلقهای کشور، نهضت مردم آذربایجان و کردستان، دسانس امپریالیسم و ارتجاع داخلی برای سرکوب جنبش با دقت و روشنی خاصی تشریح شده چنانکه گویی نویسنده خود شاهد زنده وقایع بوده است.

سرتاسر اثر حاکی از احاطه وسیع نویسنده بموضوع و شناخت عمیق اوضاع ایرانست. با اینحال اثر خالی از نارسائیها و نقائص نیست.

قسمتی از این نقائص جزئی و فاقد اهمیت اساسی است. از آنجمله است مثلاً:

ذکر اینکه از پاییز سال ۱۹۲۵ پس از بازداشت‌های زیادی که از فعالین اتحادیه‌های کارگری و اعضاء حزب کمونیست ایران بعمل آمد، حزب کمونیست مجبور به اختفا شد (صفحه ۶۵) و حال آنکه حزب کمونیست ایران برای گیلان، آنهم بهنگام انقلاب، هیچگاه آشکار نبود و همیشه بطور مخفی فعالیت میکرد، منتهی از این سال بعد حزب مجبور به اختفاء عجدی شد!

ویا اظهار نظر درباره اینکه اقدامات دولت رضاشاه در مبارزه باروسای ایلات و عشایر باعث کم شدن امکان اعمال نفوذ امپریالیسم انگلیس میشد. در صورتیکه ذکر این نکته بدون تذکر اینکه در آن موقع امپریالیسم انگلستان در تعقیب سیاست عمومی ضد شوروی خود ایجاد و محاصره نظامی شوروی مجبور بود در ایران سیاست تمرکز و تقویت نیروی نظامی را تعقیب کند میتواند زمینه برای تحلیل‌های غیر واقعی بدست دهد: و نکات دیگر از این قبیل...

و اما نقص عمده‌ای که بنظر نگارنده نمیتوان از کنار آن گذشت چگونگی برخورد مؤلف به اصلاحات اخیر شاه و ارزیابی باره‌ای وقایع پس از اجراء این «اصلاحات» است.

نظر مؤلف درباره «اصلاحات» شاه و عیار این «اصلاحات» - نظری واقع‌بینانه است. وی آنها را سطحی دانسته و دارای تأثیر عمیق نمیشمارد.

ولی در ارزیابی وقایعی که پس از شروع این «اصلاحات» رخ داده است مؤلف دچار اشتباه میشود و مبارزاتی را که شده است غالباً منتسب به مرتجعین و فئودالها میداند. حتی وقایع خرداد ۱۳۴۲ نیز تماماً به حساب ارتجاع گذارده شده و توجه بشرکت عظیم مردم و اینکه شعارهای آنها بطور عمده ضد سلطنت و در جهت سرنگونی رژیم بوده نشده است. برای مؤلف کتاب که متخصص تاریخ ایرانست تحلیل این موضوع مشکل نیست که چنین تحریک بی سابقه‌ای را در مردم هیچگونه نیروی ارتجاعی نمیتواند بوجود آورد.

در این مورد بهترین و معتبرترین منبع استفاده برای مؤلف میتوانست تحلیل‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار گیرد نه اطلاع این یا آن روزنامه یا مجله.

شرباره این وقایع در ارگان مرکزی حزب ماکفته شده است... آنچه مسلم است اینست که در تظاهرات خردادماه این قبیل جریانات (دادن برخی شعارهای ارتجاعی علیه اصلاحات ارضی و آزادی زنان - لک) فرعی است. مهم توجه باین حقیقت است که اگر ناخشنودی و نفرت از رژیم محمدرضاشاه در درون جامعه ایران انباشته نشده بود، اگر مردم منتظر فرصتی برای ابراز کینه و خشم خویش نبودند بدون تردید هیچ نیروئی نمیتوانست دهها هزارتن از آنها را با چنین شور و شوق و جانپنازی بمیدان نبرد با محمدرضاشاه بکشاند... آنچه هم میهنان ما را به جنبش خردادماه برانگیخت چیز دیگری جز خواست دیرینه آنها یعنی سقوط رژیم محمدرضاشاه نبود.

بدیهی است اثری چنین ارزنده مانند «تاریخ نوین ایران» که مختصر منظره‌ای از آن در اینجا داده شد به تجدید چاپ‌های متعددی احتیاج پیدا خواهد کرد. امیدواریم در نخستین تجدید چاپ، این نقص نیز که میتواند تا حدی از ارزش اثر بکاهد برطرف گردد.

ع. کامبخش